

اعتبارسنجی احادیث فضائل حفظ قرآن در منابع شیعه

زهرا چنانی^۱*

مینا شمخی^۲

قاسم بستانی^۳

چکیده

احادیث فراوانی درباره حفظ قرآن، ارزش و جایگاه حافظان، که از مضامین تشویق‌آمیز برخوردار بوده و باورمندان را به حفظ و تلاوت آیات قرآن و عمل به آن برمی‌انگیزاند، در منابع روایی شیعه از معصومین (ع) صادر شده‌اند. اما میزان اعتبار سندی این روایات و در نتیجه اعتبار متون آنها یکسان نبوده و نمی‌توان در این مورد حکم کلی صادر کرد. زیرا هرچند برخی از فضائل از نظر محتوا صحیح هستند و یا در صحت سند آنها خدشه‌ای وارد نیست اما این دلیلی برای صحت صدور آنها نمی‌باشد و اتکای صرف بر سند یا متن در تصحیح یک خبر به معنای اثبات صحت صدور آن نیست. چه بسا سند صحیحی بر متن درستی ترکیب شده باشد یا ممکن است متن متضمن معنایی غیر قابل قبول باشد یا با متونی که دارای دلالت‌های صدق قوی‌تر هستند، مخالف باشد. در احادیث مورد مطالعه نیز چنین اشکالاتی وارد بود که موجب عدم صحت صدور آنها شده و قبول آنها را مشکل می‌نمود. البته هرچند اکثر احادیث فضائل حفظ قرآن ضعیف بودند اما علمای حدیث شیعه طبق قرائنی در جواز عمل بدانها اتفاق دارند.

کلید واژه‌ها: احادیث، نقد، سند، متن، فضائل حفظ.

^۱ . دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران Zahra.chenany@yahoo.com

^۲ . دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران m.shamkhi@scu.ac.ir

^۳ . دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران gboostanee@yahoo.com

۱. طرح مسئله

در صدر اسلام، تلاوت، حفظ و تعلیم و تعلم تنها به قرآن اختصاص داشت و این کتاب همه چیز مسلمانان به شمار می‌آمد. خود قرآن نیز هدف از نزول این کتاب آسمانی را تدبر در آیات و بهره‌مندی از آن برای یافتن مسیر سعادت، معرفی می‌کند: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (ص / ۲۹) (این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبر کنند و خردمندان متذکر شوند!). و در سوره عنکبوت می‌فرماید: «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ» (العنکبوت/ ۴۹) (بلکه این قرآن، آیاتی روشن در سینه‌های اهل دانش است و آیات ما را جز مردم ستمکار انکار نمی‌کنند). اختصاص عنوان «اوتوا العلم» به حافظ، نشان از اهمیت مسئله حفظ قرآن و مرکز توجه قرار گرفتن آن از همان صدر اسلام است. همچنین فراوانی احادیث رسیده پیرامون این محور نشان از اهتمام ویژه ای است که پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) در ترویج این مهم داشته‌اند. آنچه از بررسی روایات و بیان سنت پیامبر اکرم و ائمه اطهار (ع) به دست آمده این است که ایشان اقدام به تدوین یک نظام جامع و کامل جهت نهادینه ساختن امر حفظ قرآن کریم در میان مسلمانان نموده‌اند. از یک سو ثواب بی حد حفظ قرآن را مطرح نموده و امر به قرائت و حفظ قرآن کرده‌اند و از سوی دیگر پاداش اخروی آن را برشمرده و جایگاه رفیع حافظان قرآن در بهشت را تبیین نموده‌اند. اما حقیقت امر اینجاست که نمی‌توان تمامی آن احادیث و روایات را در صحت و سقم یا رد و قبول یکسان دانست و حکمی کلی درباره آن‌ها صادر کرد. لذا باید دید میزان اعتبار سندی این روایات و در نتیجه اعتبار متون آنها تا چه اندازه است؟ صحت صدور این احادیث بر مبنای صحت سند یا متن خواهد بود؟ برای قبول یا رد آن‌ها باید بر چه ملاک و معیارهایی تکیه کرد تا بتوان در صورت امکان بدان‌ها اعتماد و عمل نمود یا اینکه در قبول آن‌ها جانب احتیاط لازم است؟ میزان تعارض و تفاوت احادیث مزبور با قرآن، سنت متواتر و عقل تا چه اندازه است؟ که نوشتار حاضر درصدد پاسخ به این سؤالات است.

درباره‌ی این موضوع به طور اخص، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. نزدیک به موضوع مورد نظر ۲ مقاله وجود دارد که به طور ضمنی به زوایایی از آن پرداخته‌اند: اثر اول، نوشته حسن حسین‌زاده طاهر با موضوع «جایگاه حفظ قرآن از نگاه معصومین و بزرگان دین» است که نویسنده در آن به موضوع حفظ به معنای سپردن به ذهن پرداخته و تلاش کرده است تا با استناد به روایات حفظ قرآن، مخاطب خود را به این کار ترغیب نماید. اثر دوم «معنا شناسی حفظ قرآن در روایات»^۴، اثر امید پیشه‌گر و حیدر مسجدی است که نویسنده در آن به موضوع معنای حفظ در روایات پرداخته و روشن ساخته که معنای لغوی این واژه مجمل بوده و هیچ دلیلی بر انصراف یا انحصار حفظ در معنای «حفظ ذهنی» وجود ندارد. نوشتار حاضر ضمن ارج نهادن بر تلاش‌های صورت گرفته، به طور اخص به نقد و بررسی اسناد و متون احادیث مورد نظر پرداخته و صحت و سقم آن‌ها را به میزان اعتبار سنجیده است.

۲. تاریخچه‌ی اصطلاح حافظ قرآن

در تاریخ و علوم قرآنی، اصطلاح «جمع» به معنای گوناگون، از جمله حفظ قرآن در قلب‌ها و سینه‌ها، به کار رفته است (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۴۹). عده‌ای از اصحاب پیامبر اکرم، قرآن را به این معنا جمع، یعنی حفظ کردند، لذا به آن‌ها جُمَاع یا حَفَاطُ قرآن گفته‌اند (زرکشی، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۲۴۱). حافظان قرآن به قُرَاء نیز نامبردار بوده‌اند (سیوطی، ۱۳۹۱ش، ج ۱، ص ۳۴۴). جمع قرآن به معنای حفظ آن، از زمان پیامبر (ص) آغاز شد و خود ایشان، به عنوان «سید حافظان»، تمام قرآن را از بر داشت (رامیار، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۲۲۳-۲۲۱). اهمیت حفظ قرآن در نظر پیامبر باعث شد مسلمانان صدر اسلام نیز به آن توجه ویژه‌ای پیدا کنند و در تقویت و افزایش حفظ قرآن بکوشند. حفظ قرآن برای آنان می‌توانست از جنبه‌های گوناگون مهم باشد، مثلاً، تلاش برای صیانت قرآن یا حفظ برای آن‌که آیات را در بین نمازهای واجب یا مستحب بخوانند (همان، ص ۲۴۴-۲۴۳). امام علی علیه‌السلام، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس و ابی بن کعب، از جمله حافظان تمام قرآن بودند (همان، ۲۵۴-۲۴۸). از میان زنان نیز زنی به نام امّ ورقه در زمان پیامبر حافظ قرآن بوده است (زنجان، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۶). اصطلاح حافظ قرآن از نیمه دوم قرن دوم در فرهنگ اسلامی رواج یافته است (خرمشاهی و همکاران، ۱۳۹۲ش، ج ۶، ص ۳۸۶). اولین بار، واژه‌ی حافظ به معنای از برکننده‌ی قرآن، در روایتی که فضیل بن یسار از امام صادق (ع) نقل کرده، آمده است «أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: الْحَافِظُ لِلْقُرْآنِ الْعَامِلُ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبُرَّةِ» (کلینی، کافی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۶۰۴) امام صادق (ع): حافظ قرآن که بدان عمل کند در آخرت رفیق با فرشتگان پیغام برنده و نیک رفتار خداوند است.

^۴ ماهنامه پیوند، شماره ۳۸۸ (بهمن ۱۳۹۰)، ص ۱۲.

^۵ علوم حدیث، سال هجدهم، شماره اول.

۲-۱. حافظان قرآن در زمان رسول خدا(ص)

سخن در این باره که حافظان قرآن که همگی قرآن را از بر داشتند، چه کسانی بوده‌اند؟ تعدادشان چقدر بوده؟ و هر یک چه اندازه از قرآن می‌دانسته‌اند؟ اختلاف نظر وجود دارد. اما در این میان یک حقیقت مسلم است و آن، این است که حافظان در میان صحابه زیاد بودند. چنانکه صحت این مدعا را کشته‌شدگان از صحابه و حاملان قرآن در جنگ أُحُد (۷۴ تن)، بئر معونه (۴۰ یا ۷۰ تن)، وقعه‌ی یمامه (۷۰ تن) و وقعه‌ی رجیع (۱۰ تن)، شهادت می‌دهند (رامیار، ۱۳۶۲ش، ص ۲۵۳-۲۴۷). بلاغی می‌نویسد: شعار اسلام و علامت مسلمان در صدر اسلام، مزین بودنش به حفظ قرآن بود. اعراب مسلمان با حافظه نیرومندی که داشتند، به حفظ و تلاوت قرآن پرداختند تا اینکه عدد حافظان به هزارها، بلکه ده‌ها هزار و صدها هزار رسید. وی می‌نویسد: چون وحی در زمان حیات پیامبر(ص) قطع نمی‌شد، ممکن نبود قرآن در یک کتاب آماده و فراهم شود؛ بلکه آنچه وحی می‌شد، در حافظه مسلمانان و نوشته‌ها جا می‌گرفت (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۸). آیت الله خوئی می‌نویسد: حافظان قرآن در زمان رسول خدا (ص) بیشتر از آن بودند که بشود نام آنان را شمارش کرد و آنچه انس نقل کرده که پیامبر از دنیا رفت و غیر از چهار نفر کسی حافظ قرآن نبود، مردود و مطروح است (خوئی، البیان، ۱۳۹۵ق، ص ۲۵۱).

۲-۲. نام گروهی از حافظان صدر اسلام (سیوطی، ۱۳۹۱ش، ج ۱، ص ۲۴۴-۲۳۹؛ رامیار، ۱۳۶۲ش، ص ۲۵۵-۲۵۴):

۱. از مهاجران (۲۰ نفر): ابوبکر (م ۱۳ق)، عمر (م ۲۳ق)، عثمان (م ۳۵ق)، علی (م ۴۰ق)، طلحه (م ۳۶ق)، سعد بن ابی وقاص (م ۵۶ق)، عبدالله بن مسعود (م ۳۲ق)، سالم مولی ابی حذیفه؛ حذیفه بن یمان (م ۳۶ق)، عبدالله بن عباس؛ عبدالله بن عمر (م ۷۳ق)، عبدالله بن عمر؛ عمرو بن عاص (م ۴۳ق)، عبدالله بن زبیر؛ عبدالله بن سائب (م ۶۸ق)، ابو موسی اشعری؛ ابو هریره (م ۵۹ق)، معاویه (م ۶۰ق)، تمیم بن اوس الداری (م ۴۰ق)، عقبه بن عامر (م ۵۸ق).

۲. از انصار (۱۳ نفر): اُبَی بن کعب (م ۲۱ق)، معاذ بن جبل؛ ابو حلیمه معاذ (م ۲۵ق)، زید بن ثابت (م ۴۵ق)، سعد بن عبید (م ۱۶ق)، مجّع بن جاریه؛ انس بن مالک (م ۹۳ق)، ابوزید قیس بن السکن؛ عبادة بن صامت؛ ابو ایوب (م ۵۲ق)، ابوالدرداء (م ۳۳ق)، فضالة بن عبید (م ۵۳ق)، مسلمة بن مَخْلَد (م ۶۲ق).

۳. از زنان (۴ نفر): عایشه (م ۵۸ق)، حفصه؛ ام سلمه (م ۵۹ق) و امّ ورقه دختر عبدالله بن حارث. که رسول خدا(ص) او را شهیده می‌نامید (ابن سعد، ج ۸، ص ۳۳۵). مسلماً جز اینان بسیاری دیگر از حافظان هستند که قرائتشان به ما نرسیده و از یاد رفته‌اند. این تنها سخن از حافظان قرآن در زمان رسول خدا(ص) بود و الا بعد از رحلت ایشان هزاران نفر به این کار بزرگ اهتمام ورزیدند و نسل به نسل این کلام الهی را تا به امروز، به نسل کنونی رسانده‌اند (رامیار، ۱۳۶۲ش، ص ۲۵۶).

۲-۳. اهمیت و جایگاه حفظ و حافظان قرآن

اهمیت و ارزش حافظان قرآن علاوه بر نزد خدا، در نزد سنت نیز حائز اهمیت است و روایات زیادی در فضیلت و ارزش تلاوت کنندگان و حافظان قرآن وارد شده است. علمای گذشته بر این باور بودند که «حفظ قرآن» بر تمام علوم مقدم است. آنان علم فقه و حدیث را تنها به کسانی تعلیم می دادند که حافظ قرآن باشند و به اندازه ای به علم فقه و حدیث مشغول می شدند که منجر به نسیان و فراموشی قرآن نگردد (شهید ثانی، منیه المرید، ۱۴۰۹ق، ص ۲۶۳؛ نووی، المجموع، بی تا، ج ۱، ص ۳۸). در اینجا به گوشه‌هایی از این فضائل اشاره می‌شود:

۱. فضائل حفظ قرآن: پاداش مضاعف (کافی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۴۰۹)، بالندگی قدرت حافظه (کنز العمال، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ح ۲۳۱۸)، غنای فرهنگی (همان، ح ۲۲۶۱)، رضایت الهی (همان، ۲۴۸۴)، دعای مستجاب (همان، ح ۲۴۱۴)، حق شفاعت (همان، ح ۲۳۲۷)، برتری الهی (همان ح ۲۲۲۹)، آبادی قلب (همان، ح ۲۲۷۶)، با فضیلت‌ترین نعمت (همان، ح ۲۳۱۷)، با ارزش‌ترین سرمایه (مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۳۷)، ارزشمندترین ثروت معنوی (همان، ص ۲۵۴)، ایمنی از عذاب الهی (بحار الانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲، ص ۱۹).

۲. فضیلت حافظان قرآن: هم‌نشینی با فرشتگان (کافی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۴۰۵)، پذیرفته شدن شفاعت (مجمع البیان، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۵)، بالاترین درجات بهشت (بحار الانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲، ص ۲۲)، دریافت پاداش انبیاء (همان، ص ۱۷)، در شمار بزرگان امت جای گرفتن (همان، ص ۱۷۷)، همراه با انبیاء (همان، ص ۱۹-۱۸)، بالاترین درجه (همان، ج ۸۹، ص ۲۲)، مشمول آموزش الهی (مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۶۹)، پرچمداران اسلام (کنز العمال، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ح ۲۳۴۴)، دوستان خدا (همان، ح ۲۲۹۵)، احترام زمین (همان، ح ۲۴۸۸).

۲-۴. مجموعه کتب حاوی احادیث فضائل حفظ قرآن و فضیلت حافظان

بحث راجع به فضل و فضیلت حفظ و حافظان قرآن که به عنوان یکی از شاخه‌های فضائل قرآن می‌باشد، در منابع حدیثی و جوامع روایی متقدم و متأخر شیعه، تحت عنوان باب القرآن (برقی، محاسن، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۴۴۲)، کتاب فضل القرآن (کلینی، کافی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۵۸۹)، ثواب القرآن (صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ۱۴۰۶ق، ص ۹۹)، أبواب فضائل سور القرآن و آیاته (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۲۲۳)، أبواب قرائت القرآن (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۶۵) و غیره آمده است. همچنین در برخی مصادر تفسیری شیعه مانند: تفسیر عیاشی (قرن ۴ق)، مجمع البیان طبرسی (قرن ۶ق)، روض الجنان ابوالفتوح رازی (قرن ۶ق)، منهج الصادقین فتح الله کاشانی (قرن ۱۰ق)، البرهان بحرانی (قرن ۱۱ق)، نورالثقلین حویزی (قرن ۱۱ق) و نمونه مکارم شیرازی (معاصر)، ابتدای تفسیر هر سوره یا پایان آن راجع به فضائل همان سوره روایاتی ذکر گردیده است. در مجامع روایی معتبر دیگری همچون مکارم الأخلاق طبرسی (قرن ۶)، الجعفریات ابن اشعث (قرن ۴)، مشکات الأنوار

طبرسی (قرن ۶)، النوادر راوندی (م ۵۷۰ق)، تفسیر علی بن ابراهیم قمی (قرن ۳ق)، عیون أخبار الرضا (ع) صدوق (م ۳۸۱ق)، أعلام الدین دیلمی (م ۸۴۱ق)، تفسیر امام عسکری (ع) (م ۲۶۰ق)، روضة الواعظین مجلسی اول (م ۱۰۷۰ق)، مجموعه ورام (م ۶۰۵ق)، معانی الأخبار صدوق (م ۳۸۱ق)، دعائم الاسلام ابن حیون (م ۳۶۳ق) و... نیز روایاتی در این خصوص گردآوری شده است.

۳. آمار تقریبی احادیث مدنظر در مهم‌ترین جوامع حدیثی شیعه

در بیشتر این مجامع، باب یا ابوابی به ذکر احادیثی در مورد حفظ قرآن اختصاص یافته است. در این نوشتار ذیل جدول شماره (۱)، به ارائه‌ی آمار تقریبی این احادیث در مهم‌ترین و مشهورترین جوامع حدیثی شیعه از متقدم و متأخر پرداخته شده است.

جدول (۱): آمار تقریبی احادیث فضیلت حفظ و حافظ قرآن در جوامع حدیثی مشهور شیعه

باب فضائل حفظ قرآن و فضیلت حافظان در مهم‌ترین جوامع روایی شیعه						
ردیف	عنوان کتاب	تعداد احادیث	تعداد کل روایان	اسامی روایان تکراری	دفعات تکرار	معصوم ناقل حدیث
۱	الکافی	۱۷	۱۵	یعقوب الاحمر	۳	ابو عبدالله (ع)
۲	ثواب الاعمال	۲	۲	فضیل بن یسار	۲	ابو عبدالله (ع)
۳	الوافی	۲۰	۱۳	یعقوب الاحمر	۳	ابو عبدالله (ع)
				ابان بن تغلب الزهری	۲	
۴	وسائل الشیعه	۱۲	۱۲	فضیل بن یسار	۲	ابو عبدالله (ع)
				سکونی		
۵	بحار الانوار	۳۲	۲۱	—	—	ابو عبدالله (ع)
۶	مرآة العقول	۱۷	۱۴	یعقوب الاحمر	۳	ابو عبدالله (ع)
				سکونی	۲	
۷	مستدرک الوسائل	۲۰	۹	—	—	ابو عبدالله (ع)
۸	جامع الاحادیث (حسین بروجردی) (ادغام ابواب ۳، ۴، ۲۵ و ۲۶؛ از جلد ۱۵)	۳۳	۱۶	فضیل بن یسار	۲	ابو عبدالله (ع)
				سکونی		
				ابن عباس		
جمع کل	۸	۱۵۳	۱۰۲	۶	۱۹	۲

۴. بررسی اسناد و تحلیل متون احادیث فضائل حفظ قرآن

تعداد احادیث منقول از معصومین (ع) درباره فضائل حفظ قرآن که به دست مارسیده، فراوان است که صحت و سقم آن‌ها مورد اختلاف بوده و نمی‌توان درباره‌ی آن‌ها حکمی کلی داد. پژوهش حاضر با بازشناسی اسناد این احادیث و تحلیل متون آن‌ها در پی شناخت میزان اعتبار این احادیث است. اما از آنجایی که به دلیل محدودیت کار، امکان بررسی تمام آن‌ها در این مختصر نمی‌گنجد، لذا با گزینش چند حدیث از احادیث پرتکرار، از متقدم‌ترین منبع مورد اطمینان در رجوع اکثر جامع‌نگاران یعنی کتاب کافی کلینی و نیز نمونه‌هایی از احادیث نوادر که در کافی نیامده، جهت وصول به هدف مورد مطالعه، به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته است.

بررسی اسناد و تحلیل متون احادیث فضائل حفظ قرآن

تعداد احادیث فضائل حفظ قرآن که به دست مارسیده، فراوان است اما به دلیل محدودیت کار، امکان بررسی تمام آن‌ها در این مختصر نمی‌گنجد. لذا با گزینش چند حدیث از احادیث پرتکرار، از متقدم‌ترین منبع (کافی کلینی) و نیز نمونه‌هایی از احادیث نوادر که در کافی نیامده، جهت وصول به هدف مورد مطالعه، به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته است.

حدیث اول: أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ، عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ، عَنْ جَابِرٍ: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا مَعْشَرَ قُرَّاءِ الْقُرْآنِ، اتَّقُوا اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - فِيمَا حَمَلْتُمْ مِنْ كِتَابِهِ، فَإِنِّي مَسْئُولٌ، وَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ، إِنِّي مَسْئُولٌ عَنْ تَبْلِيغِ الرَّسَالَةِ، وَأَمَّا أَنْتُمْ، فَتَسْأَلُونَ عَمَّا حَمَلْتُمْ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّتِي» (کلینی، کافی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۶۱۱). (رسول خدا (ص): ای گروه قرآن‌خوانان از خدای عز و جل بترسید در آنچه از کتاب خود بشما داده است زیرا که من مسئولم و شما هم مسئول هستید، من از رساندن و تبلیغ رسالت مسئولم، و شما از آنچه از قرآن و سنت من در بردارید مسئول هستید).

بررسی سند: *ابو علی الأشعری*: احمد بن ادریس (م. ۳۰۶هـ)، راوی امام باقر (ع)، ثقة، دارای احادیث فراوان و صاحب کتاب النوادر است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۹۱؛ طوسی، الرجال، ۱۳۷۳ش، ص ۴۱۱؛ ابن داود، ۱۳۹۲ق، ص ۶۵). *محمد بن عبد الجبار*: محمد بن عبد الجبار البجلي، ثقة است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۹۲؛ طوسی، الفهرست، ۱۴۲۰ق، ص ۶۴). *ابن ابی نجران*: او همان عبدالرحمن بن الحجاج بن ابی نجران است (خوئی، معجم رجال الحديث، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۱۸). وی ثقة است (نمازی‌شاهرودی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۶؛ همو، ج ۸، ص ۲۰۱). *أبی جمیلة*: همان مفضل بن صالح است که توثیق و تضعیف او مورد اختلاف است (جواهری، محمد، ۱۴۲۴ق، ص ۶۸۸). دارای کتاب بوده و از ابی عبدالله (ع) و

۶. این حدیث ۱۱ مورد مشابه دارد که همگی به نقل از کلینی آورده‌اند، از جمله: (۱) فیض کاشانی، الوافی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۱۷۰۴؛ (۲) مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۷، ص ۲۸۳.

۷. قابل ذکر است ترجمه بیشتر احادیث از کتاب مصطفوی، ترجمه اصول کافی، ۱۳۶۹ش، ج ۴، کتاب فضل قرآن می‌باشد.

أبالحسن(ع) روایت نموده است (طوسی، الفهرست، ۱۴۲۰ق، ص ۲۵۲؛ خوئی، معجم رجال الحدیث، ۱۴۱۳ق، ج ۱۹، ص ۳۱۱).
جابر بن یزید جعفی از اصحاب امام باقر(ع) و امام صادق(ع) و ثقه است(طبرسی، مکارم الاخلاق، ۱۴۱۲ق، ص ۳۷۳؛ ابن ادریس، مستطرفات السرائر، ۱۴۱۱ق، ص ۱۳۷). به علت مورد اختلاف بودن ابی جمیله سند مخدوش و ضعیف است.

تحلیل متنی: هر چند صحت متن حدیث می تواند با عقل سازگار باشد و مصداقی از قرآن نیز دارد «فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ» (النور/۵۴) (پیامبر مسئول اعمال خویش است و شما هم مسئول اعمال و رفتار خود می باشید)، اما باید تصریح کرد که صحت متن و تطبیق آن با مصداقی از قرآن، مستلزم این نیست که حتما از معصوم باشد. بنابراین اتکای صرف بر سند یا متن در تصحیح یک خبر به معنای اثبات صحت صدور آن نیست(بستانی، تقدم تجویزی نقد سند یا متن، ۱۳۹۵ش). از طرفی نیز مورد اختلاف بودن ابی جمیله در سند، قبول آن را مشکل می کند. همچنین مجلسی این حدیث را ضعیف دانسته؛ اما علت ضعف آن را تصریح نکرده است(مرآة العقول، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۴۸۹). البته در اینجا یادآوری این نکته ضروری است که: همه احادیث ضعیف در یک مرتبت قرار نمی گیرند. برخی از احادیث تنها از آن جهت که شناخت کافی به حال راوی به لحاظ استوارگویی او وجود ندارد، محکوم به ضعف می شوند که حدیث مجهول چنین است(مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۹۷). بنابراین جزء احادیث ضعیف به شمار می آید.

حدیث دوم: **عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعًا، عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ، عَنِ الْفُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «إِنَّ الَّذِي يُعَالِجُ الْقُرْآنَ، وَ يَحْفَظُهُ بِمَشَقَّةٍ مِنْهُ وَ قَلَّةٍ حِفْظٍ، لَهُ أَجْرَانِ»** (کلینی، کافی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۶۱۲) (فضیل بن یسار گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که درباره قرآن رنج کشد و به سختی و کم حافظه گی اش آن را حفظ کند دو اجر دارد).

بررسی سند: **عده من اصحابنا:** خوئی گفته است که این عده معمولاً همگی توثیق شده اند زیرا همیشه افراد ثقه از آن ها روایت می کنند و آن ها خود نیز از غیر ثقه روایت نمی کنند(خوئی، معجم رجال الحدیث، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۶۸).
احمد بن محمد: بن خالد البرقی أبو جعفر ابن عبد الرحمن بن محمد بن علی البرقی: مؤلف کتاب المحاسن و کتاب النجوم و غیره، ثقه و معتمد از اصحاب امام جواد و امام هادی (ع)(نمازی شاهرودی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۳۳). **سهل**

^۸ . همین حدیث را: مجلسی، مرآة العقول، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۴۹۰؛ فیض کاشانی، وافی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۱۷۱۲؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۷۶؛ همو، هدایة الامة، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۶۵، به نقل از کلینی آورده اند. اما صدوق در ثواب الاعمال، ۱۴۰۶ق، ص ۱۰۲ با تفاوت در سند و متن ذکر کرده و مجلسی در بحار الانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۱۸۷ و ص ۲۰۲ به نقل از وی آورده است.

بن زیاد: ابوسعید آدمی الرازی: در کتب رجالیون در جرح و تعدیل مورد اختلاف است. عده‌ای تضعیفش کرده و گفته‌اند: وی در حدیث ضعیف بوده و مورد اعتماد نیست. (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۸۵). روایت او خدشه دار بوده و دچار فساد در دین و روایت است (ابن داود، ۱۳۹۲ق، ص ۲۴۹؛ ابن الغضائری، ۱۳۶۴ش، ص ۶۷). اما طوسی او را ثقه می‌داند (طوسی، رجال، ۱۳۷۳ش، ص ۳۸۷). **ابن محبوب:** حسن بن محبوب السراد، کوفی، صاحب کتاب المشیخه، موثق و جلیل القدر نزد فریقین، از رجال اجماع، راوی امام کاظم (ع)، امام رضا (ع) و امام جواد (ع) دارای تصانیفی است، از جمله الحدود، الديات التفسیر (طوسی، الفهرست، ۱۴۲۰ق، ص ۹۷-۹۶؛ علامه حلی، خلاصه الاقوال، ۱۴۱۱ق، ص ۹۷؛ ابن داود، ۱۳۹۲ق، ص ۷۷). ثقه، جلیل القدر، کثیر الروایه (طوسی، الخلاف، ۱۴۰۷ق، ص ۶۳؛ ابن ادریس، السرائر، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۰، ۱۳۵؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۱۲۹) است. **جمیل بن صالح:** ثقه و از اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) می‌باشد (ابن ادریس، مستطرفات السرائر، ۱۴۱۱ق، ص ۱۳۶؛ محقق اردبیلی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۸۱). **فضیل بن یسار:** ابوالقاسم، عربی، بصری از اصحاب اجماع و از اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع) می‌باشد (خوئی، معجم رجال الحدیث، ۱۴۱۳ق، ج ۹، ص ۲۳۹؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۵۸). ثقه، جلیل القدر و ممدوح است (مجلسی، ملاذ الاخبار، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۳۲۹). به دلیل مورد اختلاف بودن سهل بن زیاد، ضعیف است.

تحلیل متنی: مجلسی در مرآة العقول (۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۴۹۰) این حدیث را صحیح دانسته است. مصادیقی برای صحت متن حدیث در قرآن وجود دارد از جمله: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (الانعام / ۱۶۰)؛ «... أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ ... فَأَلْذِينَ ... أَوْ ذُوا فِي سَبِيلِي ... لَأُكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ» (آل عمران / ۱۹۵) و... اما باید تصریح کرد که: موافقت با کتاب و سنت قطعی دلیل بر صحت مضمون است نه دلیل بر صدور حدیث (نوری، خاتمه مستدرک، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۸۸). امکان هم دارد این روایت از جمله روایاتی باشد که در باب مستحبات بوده و نقل آن به جهت قاعده «تسامح در ادله سنن» باشد. در سند حدیث تمامی افراد سلسله موثق هستند و تنها سهل بن زیاد مورد اختلاف است که این موجب ضعف سند می‌باشد. البته اکثر علما از عمل به

^۹ . تساهل در احادیث فضائل و ترغیب و ترهیب در این زمینه با استشهاد به احادیث «من بلغ»: عده‌ای به روایات «من بلغ» برای رسیدن به ثواب‌ها استشهاد کرده‌اند؛ بدین معنا: اگر کسی قرآن را به امید پاداش بخواند، ثواب به او داده خواهد شد؛ اگرچه بعدها روشن شود که حدیث ساختگی بوده است (علوی مهر، ۱۳۸۴ش، ص ۸۳). اینان با توجه به مسامحه در دلایل و منابع مستحبات که از آن به «تسامح در ادله سنن» تعبیر می‌شود، می‌گویند در مستحبات، خداوند متعال از باب تفضل و رحمت واسعه‌ی خودش، این ثواب‌ها را به بندگان عنایت می‌کند (جوهری، پرسمان علوم قرآنی، ۱۳۸۵ش، ص ۲۱) و به این احادیث استشهاد کرده‌اند: «مَنْ سَمِعَ شَيْئًا مِنَ الثَّوَابِ عَلَى شَيْءٍ، فَصَنَعَهُ، كَانَ لَهُ أَجْرُهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى مَا بَلَغَهُ»؛ «مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ، فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلَ التَّمَّاسَ ذَلِكَ الثَّوَابِ، أَوْ تَبَّهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۲۲۵).

خبر ضعیف در صورتی که معتضد به شهرت روایی یا صدور فتوا به مضمون آن باشد اجازه کرده‌اند؛ زیرا با این خصوصیت، ظن و اطمینان به صدق راوی پیدا می‌شود (شهید ثانی، الرعایه فی علم الدرايه، ۱۴۰۸ق، ص ۹۲). بنابراین می‌توان حدیث را صحیح به شمار آورد.

حدیث سوم: عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْحُسَيْنِ الْفَارِسِيِّ، عَنِ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ: عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ أَهْلَ الْقُرْآنِ فِي أَعْلَى دَرَجَةٍ مِنَ الْأَدَمِيِّينَ مَا خَلَا النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ؛ فَلَا تَسْتَضَعِفُوا أَهْلَ الْقُرْآنِ حُقُوقَهُمْ؛ فَإِنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ لَمَكَانًا عَلِيًّا» (کلینی، کافی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۶۰۴) (رسول خدا (ص): همانا اهل قرآن در بلندترین درجات آدمیان هستند بجز پیامبران و مرسلین، پس حقوق اهل قرآن را اندک و کم شمارید، زیرا برای ایشان از طرف خدای عزیز جبار مقام بلندی است). بررسی سند: علی بن ابراهیم: ملقب به قمی، معروف به ابوالحسن. ثقه و صاحب کتب متعدد مانند کتاب التفسیر، الناسخ و المنسوخ، قرب الاسناد، الشرائع. از اصحاب امام هادی (ع) است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۶۰؛ طوسی، الفهرست، ۱۴۲۰ق، ص ۲۶۶؛ ابن داود، ۱۳۹۲ق، ص ۲۳۷؛ خوئی، معجم رجال الحدیث، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۲۲۹-۲۱۲). ابیه: ابراهیم بن هاشم: ابراهیم بن هاشم قمی، پدر علی قمی (صاحب کتاب معروف تفسیر قمی) است از اصحاب عده شیخ کلینی می‌باشد. گفته شده که از اصحاب امام رضا (ع) بود، اما در این امر تردید وجود دارد، صاحب تألیفاتی چون قضایا امیرالمؤمنین (ع) می‌باشد. وی ثقه است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۶۰؛ طوسی، الفهرست، ۱۴۲۰ق، ص ۱۵۲؛ خوئی، معجم رجال الحدیث، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۲۲۹-۲۱۲). الحسن بن ابی الحسن (أبی الحسن) الفارسی: از ابراهیم بن هاشم روایت نموده (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۳۷)، در بیشتر روایات از او به عنوان حسن بن حسن الفارسی یاد می‌کنند. وی مجهول است (جوهری، ۱۴۲۴ق، ص ۱۳۳). سلیمان بن جعفر بن ابراهیم بن محمد بن علی بن عبد الله بن جعفر الطیار أبو محمد الطالبی الجعفری: ممدوح و ثقه است (ابن داود، ۳۹۲ق، ص ۱۰۵). دارای روایاتی است که در آن از او به عنوان سلیمان الجعفری الثقه یاد شده است (جوهری، ۱۴۲۴ق، ص ۲۶۴). او را در شمار اصحاب امام کاظم و امام رضا (ع) آورده‌اند و ثقه بودنش مورد اتفاق است (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۲۴). سکونی: اسماعیل بن ابی زیاد معروف به سکونی شعیری، از اصحاب امام صادق (ع) و دارای کتاب النوادر و یک کتاب بزرگ است. علامه حلی نام او را در قسمت ممدوحین می‌آورد (خلاصه الاقوال، ۱۴۱۱ق، ص ۱۹۹). وی ثقه می‌باشد و طریقه روایت شیخ طوسی و صدوق به او صحیح است (جوهری، ۱۴۲۴ق، ص ۶۳). روایاتش صحیح یا موثق است و تضعیف او از مشهورات بی‌اساس است. زیرا روایات اصحاب جلیل

۱۰. مجلسی، مرآة العقول، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۴۸۵؛ فیض کاشانی، وافی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۱۷۰۵؛ حرعاملی، وسائل، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۷۴؛ همو، هداية الامة، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۶۵ به نقل از کلینی آورده‌اند. اما صدوق در ثواب الاعمال، ۱۴۰۶ق، ص ۹۹ با تفاوت در سند همین متن را ذکر کرده و مجلسی در بحار الانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۱۸۰ به نقل از او آورده است.

القدر از او که در میانشان تعدادی از اصحاب اجماع است، دال بر اثبات وثاقت اوست (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۶۱۶). اگر هم بنا بر فرض احتمال تضعیف او به خاطر عامی (سنی) بودنش باشد، باید تصریح کرد که این ضعف در صورت صحت، از ناحیه مذهب او بوده و دلیل بر ضعف روایاتش نیست (خوئی، معجم رجال الحدیث، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۵) دیگر اینکه: اصحاب در جواز عمل به روایات او اجماع دارند (خراسانی کرباسی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۳۵). **تحلیل متنی:** قبول متن حدیث، مورد تردید است. از یک جهت در حدیثی می‌خوانیم که: گرامی‌ترین بندگان بعد از انبیاء، علما و سپس حافظان قرآن هستند «رسول الله (ص): **إِنَّ أَكْرَمَ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْأَنْبِيَاءِ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ حَمَلَةُ الْقُرْآنِ**» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۱۸). یعنی درجه‌ی علما بعد از انبیاء و حافظان بعد از علما قرار می‌گیرند. برخلاف آنچه حدیث بدان اشاره دارد. از جهت دیگر قرآن می‌فرماید: **«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ»** (الحجرات/۱۳) (گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست). از آنجا که درجات اهل قرآن که حافظان از جمله آنها هستند، نیز یکسان نیست: «چه بسا تلاوت کننده قرآن که قرآن او را لعنت می‌کند» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۱۸۴)، لذا تعمیم کرامت و علو درجات برای تمام حافظان و تالیان یکسان نخواهد بود. از طرفی نیز مجهول الحال بودن حسن فارسی، که شناخت کافی به حال او وجود ندارد، اعتماد بر سند را مشکل می‌کند. نهایت اینکه مجلسی نیز در **مرآة العقول** (۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۴۸۶)، حدیث را ضعیف دانسته است. پس حدیث ضعیف است.

حدیث چهارم: **«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعًا، عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «الْحَافِظُ لِلْقُرْآنِ الْعَامِلُ بِهِ، مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبُرَّةِ»** (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۶۰۴) (امام صادق (ع): حافظ قرآن که بدان عمل کند در آخرت رفیق با فرشتگان پیغامبرنده و نیکرفتار خداوند است).

بررسی سند: **عده من اصحابنا:** این عده معمولاً همگی توثیق شده‌اند (ر.ک حدیث دوم). **احمد بن محمد:** او همان برقی معروف، صاحب کتاب المحاسن و ثقة است (ر.ک حدیث دوم). **سهل بن زیاد:** در جرح و تعدیل مورد اختلاف است (ر.ک حدیث دوم). **ابن محبوب:** امامی و ثقة است (ر.ک حدیث دوم). **جمیل بن صالح:** امامی و ثقة است (ر.ک حدیث دوم). **فضیل بن یسار:** امامی و ثقة است (ر.ک حدیث دوم).

^{۱۱} . حدود ۳۵ مورد این حدیث را ذکر کرده‌اند که بعضاً با اختلافات و نقص و زیاداتی در سند و متن همراه بوده است. از آن جمله: (۱) دیلمی، اعلام الدین، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۰۱ طی حدیث نسبتاً بلندی. (۲) ابن اثیر، النهایه، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۱۱۷. (۳) مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۵۶، ص ۱۷۱ و ...

تحلیل متنی: در تحلیل این متن ۴ دیدگاه وجود دارد: (۱) عده‌ای تمام احادیث کتب اربعه از جمله کافی را صحیح می‌دانند: محمد امین استرآبادی در کتاب الفوائد المدنیة و الشواهد المکیة (۱۴۲۴ق، ص ۳۷۱-۳۷۸)، طی ۱۲ دلیل به اثبات صحت تمام احادیث کتب اربعه پرداخته و شیخ حرعاملی نیز در وسائل الشیعه (۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۶۵-۲۵۱) شمار آن‌ها را به ۲۲ دلیل رسانده است؛ محدث نوری نیز در مستدرک الوسائل (۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۴۶۳) تمام روایات کتاب کافی را صحیح می‌داند. وی سخنانی از شهید اول، محقق کرکی، شیخ حسین بن عبدالصمد، پدر شیخ بهایی، شیخ حسن دمستانی و... را در مدح کتاب کافی نقل می‌کند. (۲) عده دیگری گفته‌اند: اگر احادیث کافی نزد محدثان صحیح بود، نقد آن‌ها از سوی معاصر او، شیخ صدوق، ممکن نبود. در ضمن، شیخ مفید و شیخ طوسی نیز پس از شیخ صدوق روایات کافی را نقد کرده‌اند (خوئی، معجم رجال الحدیث، ۱۴۱۳ق، ج ۱، صص ۳۱-۲۸). همچنین مورد اختلاف بودن سهل بن زیاد که اطلاع صحیحی نسبت به استوارگویی او در نقل روایت، در کتب رجالی وجود ندارد، موجب ضعف حدیث و در نتیجه مجهول خواندن آن می‌شود (نک: مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۹۷). (۳) اکثر علما از عمل به خبر ضعیف در صورتی که معتضد به شهرت روایی یا صدور فتوا به مضمون آن باشد اجازة کرده‌اند؛ زیرا با این خصوصیت، ظن و اطمینان به صدق راوی پیدا می‌شود (شهید ثانی، الرعایة فی علم الدرایة، ۱۴۰۸ق، ص ۹۲). (۴) یکی از بهترین راه‌های احراز صحت متن و یافتن اطمینان نسبی از سخن ابراز شده به وسیله‌ی معصوم (ع)، دستیابی به نسخه‌های متعدد و دسترسی به گزارش‌های متفاوت راویان و کتاب‌های حدیث است (مسعودی، ۱۳۸۳ش). که حدیث مذکور در ۳۵ مورد از جوامع روایی به کرات آمده است. و نهایت اینکه مجلسی نیز در مرآة العقول (۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۴۸۵) این حدیث را صحیح دانسته است؛ لذا می‌توان حدیث را جز احادیث صحیح به شمار آورد.

حدیث پنجم: عَلِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ التَّوْقَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: حَمَلَةُ الْقُرْآنِ عُرْفَاءُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ الْمُجْتَهِدُونَ قَوَادِمُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ الرَّسُلُ سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ» (کلینی،

^{۱۲} . حملة القرآن به معنای عامش، عبارت است از حفظ کردن آن به گونه‌ای که تنها حروف و الفاظ قرآن به دوش کشیده شود و هیچ توجیهی به معنای و معارف آن نشود (مازندرانی، محمدصالح، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۵). اما با بررسی احادیث فراوان رسیده از معصومین (ع) راجع به حامل قرآن، باید گفت: به طور خاص، به کسانی اطلاق می‌شود که قلبشان حامل معانی و معارف قرآن است و اعمال و رفتارشان مطابق با آیات آن انجام می‌شود.

^{۱۳} . موارد مشابه ذکر این حدیث ۲۰ مورد است با اختلافاتی در سند و متن. از آن جمله: (۱) ابن اشعث، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۶، با سند دیگر و اختلاف ساده در متن. (۲) صدوق، الخصال، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۲۸، باب اول، ح ۱۰۰؛ (۳) صدوق، معانی الأخبار، ۱۴۰۳، ص ۳۲۳، ح ۱، با سند دیگری. (۴) فیض کاشانی، الوافی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۱۷۰۹، ح ۸۹۷۹؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۷۹، ح ۷۶۷۳، و... .

۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۶۱۲) (رسول خدا (ص): حاملین قرآن نمایندگان و سرپرستان اهل بهشتند، و مجتهدان جلوداران اهل بهشتند، و پیامبران آقایان اهل بهشتند).

بررسی سند: علی بن ابراهیم: امامی و ثقه است (ر.ک حدیث سوم). **ایه: ابراهیم بن هاشم:** او همان ابراهیم قمی، صاحب تفسیر معروف و ثقه است (ر.ک حدیث سوم). **نوفلی (حسین بن یزید):** حسین بن یزید نوفلی از یاران امام رضا(ع) می باشد. وی آخر عمر به غلو روی می آورد (طوسی، فهرست، ۱۴۲۰ق، ص ۶۴؛ همو، الرجال، ۱۳۷۳ش، ص ۲۳، ص ۳۹) اما نجاشی در این باره می گوید: من در میان روایت های او چیزی که نشانگر غلو ایشان باشد، ندیدم (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۹۲). دارای کتاب مجالس امام رضا(ع) با اهل ادیان است. جرح و تعدیل او مورد اختلاف است (نمازی شاهرودی، ۱۵۱۵ق، ج ۳، ص ۴۳؛ جواهری، ۱۴۲۴ق، ص ۱۵۶). **سکونی (اسماعیل بن ابی زیاد):** ثقه در حدیث است (ر.ک حدیث سوم). به دلیل مورد اختلاف بودن نوفلی، سند مخدوش است.

تحلیل متنی: مجلسی در مرآة العقول، (۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۴۸۹) این حدیث را ضعیف دانسته و معنی عریف (مفرد عرفا) را زعیم یعنی سرپرست می داند. البته عده ای عقیده دارند که بسیاری از احادیث ضعیف، طبق اصطلاح متأخرین، در شمار احادیث صحیح به عقیده قدمای امامیه است (شانه چی، درایة الحدیث، ۱۳۹۰ش، ص ۷۷). اما در تحلیل متن دو نکته حائز اهمیت است: ۱) در قبول متن حدیث جای تأمل است. زیرا اولاً: بهشت درجات و مراتب مختلفی دارد: بهشت عدن، فردوس، **جَنَّةُ النِّعَمِ**، **جَنَّةُ الْمَأْوَى**، **جَنَّةُ عَلِيهِ**، دارالسلام و... ثانیاً: همه بهشتیان هم در یک مقام نیستند: **«هُمُ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ»** (آل عمران/۱۶۳)؛ **«وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا»** (الأحقاف/۱۹)؛ **«لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ»** (الأنفال/۴)؛ **«فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى»** (طه/۷۵). حال با فرض اینکه منظور از این حامل قرآن همان عامل بدان بوده؛ یعنی کسی که با قرآن مانوس است و از محتوای آیات آن آگاهی دارد و پیام ها و احکام و معارف نورانی آن را به خوبی دریافته و به اندازه توان و ظرفیت خود به دستورات آن عمل کرده و وجودش ظرف حقایق و معارف قرآنی شده است؛ به گونه ای که گویا قرآن مجسم شده است و مستحق چنین مقامی می باشد؛ این علو درجات او مربوط به کدامین درجه و مرتبه از درجات و مراتب بهشت خواهد بود؟ ۲) نوفلی در سند حدیث از لحاظ جرح و تعدیل، مورد اختلاف است و همانگونه که در موارد پیشین گذشت، عدم شناخت کافی از حال راوی نسبت به استوارگویی او موجب ضعف حدیث و مجهول بودن آن خواهد بود (نک: مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۹۷). بنابراین این حدیث ضعیف است.

حدیث ششم: **أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ؛ وَ حَمِيدُ بْنُ زِيَادٍ، عَنِ الْخَشَّابِ جَمِيعاً، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يُونُسَ، عَنِ مُعَاذِ بْنِ ثَابِتٍ، عَنِ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ؛ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِالتَّخَشُّعِ فِي السَّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ**

بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ لِحَامِلِ الْقُرْآنِ، ثُمَّ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ: يَا حَامِلِ الْقُرْآنِ، تَوَاضَعْ بِهِ؛ يَرْفَعَكَ اللَّهُ، وَلَا تَعَزَّزْ بِهِ؛ فَيُدْرِكَكَ اللَّهُ،» (کلینی، اصول کافی، ج ۴، ص ۶۰۷) (امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا (ص) فرمود: همانا سزاوارترین مردمان بترس از خدا در نهان و عیان آن کس است که قرآن را در بردارد، و هر آینه سزاوارترین مردمان در نهان و آشکار بنماز خواندن و روزه گرفتن آن کس است که قرآن را در بردارد، سپس باواز بلند فرمود: ای دارنده قرآن بوسیله آن فروتنی پیشه کن تا خدایت بالا برد، و بدان وسیله تکبرورزی و عزت طلبی نکن که خدا خوار و زبونت کند.....).

بررسی سند: ابوعلی اشعری: ذکرش در حدیث اول گذشت و او شخصی ثقه می باشد. **حسن بن علی بن**

عبدالله: مورد اختلاف است (خوئی، شرح عروه الوثقی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۹۴؛ نوری، ۱۴۹۸ق، ج ۶، ص ۱۰۱؛ جواهری، ۱۴۲۴ق، ص ۱۴۸). **حمید بن زیاد:** ثقه (ابن الغضائری، شرح تكملة رسالة أبي غالب الزراري في آل عيين، ۱۳۹۹ق، ص ۱۱۶؛ علامه حلی، خلاصة الاقوال، ۱۴۱۱ق، ص ۱۲۹؛ سبحانی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۱۹). **خشاب:** از وجوه امامیه و دارای احادیث بسیار است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۲؛ طوسی، الرجال، ۱۳۷۳ش، ص ۳۹۸، ۴۲۰؛ ابن داود، ۱۳۹۲ق، ص ۱۱۳). **حسن بن علی بن یوسف:** معروف به ابن بقاح، ثقه، راوی امام رضا (ع)، دارای کتاب‌هایی مانند: الزیارات، البشارات و نوادر است (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۶-۳۴؛ طوسی، الفهرست، بی تا، ص ۹۷؛ تفرشی، بی تا، ج ۴، ص ۳۸۲؛ خوئی، معجم رجال الحدیث، ۱۴۱۳ق، ج ۶، ص ۴۸). **معاذ بن ثابت:** الجوهری، مورد اختلاف است (شبستری، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۰۶؛ جواهری، ۱۴۲۴ق، ص ۶۰۸). **عمر بن جمیع:** الأزدي البصری، أبوعثمان، از اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، ضعیف می باشد (نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۸۸؛ تفرشی، بی تا، ج ۳، ص ۳۲۸؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۲۹؛ خوئی، معجم رجال الحدیث، ۱۴۱۳ق، ج ۱۴، ص ۹۰). سند مخدوش و ضعیف است.

تحلیل متنی: قسمت ابتدایی روایت به ظاهر قابل قبول است اما در ادامه می خوانیم که: «هر که قرآن را ختم کند گویا نبوت را در دل خود جای داده ولی باو وحی نمی رسد.....» که این منافی عقل و در نتیجه منافی علم و یقین است. اولاً: مسئله نبوت مقام بزرگی است که به هر کسی اعطا نمی گردد «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ

^{۱۴} . منابع دیگر ذکر این حدیث: ۱) حرعاملی در هدایه الامه، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۶۹ با سندی مرسل و اختلافات جزئی در متن. ۲) قمی مشهدی، کنزالدقائق، ۱۳۶۸ش، ج ۷، ص ۱۵۸ (۳) طریحی در مجمع البحرین، ۱۳۷۵ش، ج ۵، ص ۴۸۷ با سند مرسل. ۴) حکیمی در الحیاء، ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۲۲۸ با سند مرسل. ۵) در چند مورد دیگر: حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۸۱؛ فیض کاشانی، وافی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۱۷۰۶ و مجلسی، مرآة العقول، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۴۸۷ (البته در مرآة العقول با حذف سند)، حدیث را ذکر کرده اند.

رسالتَه» (الانعام/۱۲۴) (خداوند بهتر می‌داند که رسالت خویش را کجا قرار دهد) در حدیث مشهور بلکه متواتر منزلت نیز آمده است که: «أَنَّهُ لَأَنبِيٌّ بَعْدِي» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۵، ص ۲۶۲). همچنین بنا بر روایات، صرف ختم قرآن و یا حفظ آن به هر نوع و توسط هر کسی موجب تعمیم پاداش آن به طور یکسان نیست. «رُبَّ تَالِ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۱۸۴). در جای دیگری طبرسی به حدیث مشهوری از پیامبر (ص) اشاره دارد که می‌فرماید: «وَيَلُّ لِمَنْ لَا كَهَا بَيْنَ فَكِيهِ وَ لَمْ يَتَأَمَّلْ مَا فِيهَا» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۹۰۸) (وای بر کسی که آیات را در دهان بچرخاند و تأمل و تدبر در آن ننماید). ثانیاً: سند حدیث به دلیل مورد اختلاف بودن دو تن از راویان و ضعف یک راوی دیگر، مخدوش می‌باشد و قبول آن با مشکل مواجه است. با توجه به اینکه مجلسی نیز در مرآة العقول (۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۴۸۷) این حدیث را ضعیف معرفی کرده است، بنابراین حدیث ضعیف است.

حدیث هفتم: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ، عَنِ الصَّبَّاحِ بْنِ سَيَابَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «مَنْ شُدِّدَ عَلَيْهِ فِي الْقُرْآنِ ١٥ كَانَ لَهُ أَجْرَانِ؛ وَ مَنْ يُسَّرَ عَلَيْهِ، كَانَ مَعَ الْأَوْلِيَيْنِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۶۱۳) (حضرت صادق (ع) می‌فرمود: کسی که به سختی قرآن را یادگیرد دو اجر دارد و آن کس که به آسانی یادگیرد با اولین است) (مصطفوی، ۱۳۶۹ش، ج ۴، ص ۴۱۰).

بررسی سند: علی بن ابراهیم: امامی و ثقة است (ر.ک حدیث سوم). ابیه: ابراهیم بن هاشم: او همان ابراهیم قمی، صاحب تفسیر معروف و ثقة است (ر.ک حدیث سوم). ابن ابی عمیر: "محمد بن ابی عمر" "ابی عمره" "ابی عمیر": از اصحاب امام صادق (ع) می‌باشد که در زمان حیات امام کاظم (ع) وفات کرده است. وی نزد رجالیون مجهول الحال است (جواهری، ۱۴۲۴ق، ص ۴۸۷). منصور بن یونس بن بزرج ابویحیی و قیل أبو سعید، کوفی از اصحاب امام صادق و کاظم و رضا (ع) (ثقه) (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۵۱۳؛ جواهری، ۱۴۲۴ق، ص ۶۲۲).

^{۱۵} . هر چند حدیث مدنظر سختی یادگیری قرآن را بیان می‌کند اما در جوامع روایی این حدیث در باب حفظ قرآن آمده است، و همگی از آن با عنوان «مشقت و سختی برای حفظ قرآن» یاد کرده‌اند، لذا ما نیز آن را با این عنوان «سختی برای یادگیری حفظ قرآن» شناخته و در زمره احادیث حفظ قرآن آورده‌ایم.

^{۱۶} . ۵ مورد از جوامع حدیثی همچون: حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۱۷۶؛ فیض کاشانی، وافی، ۱۴۰۶ق، ج ۹، ص ۱۷۱۲ و... همین حدیث را به نقل از کلینی آورده‌اند. اما صدوق در ثواب الاعمال، ۱۴۰۶ق، ص ۱۰۰ با اختلاف آورده است.

صباح بن سیابه: الکوفی أخو عبد الرحمان، از بزرگان و از اصحاب امام صادق (ع) است (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۵۱). مجهول الحال می باشد (جواهری، ۱۴۲۴ق، ص ۲۸۵).

تحلیل متنی: مجلسی این حدیث را مجهول دانسته و می گوید: شاید مقصود از اولین، آن کسانی باشند که در ایمان به خدا و رسول پیشی جستند (مرآة العقول، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۴۹۰). هر چند به ظاهر متن حدیث بی اشکال است اما همانطور که در موارد پیشین گذشت، صحت متن، موجب صحت صدور حدیث نخواهد بود. از طرفی نیز آنچه از حفظ قرآن قصد می شود، تدبیر در معانی آن و کسب فیض و هدایت است نه حفظ حروف و کلمات آن برای کسب ثواب و یا هر چیز دیگری. هر چند وجود ثواب امری منطقی و وارد است اما هدف نهایی نمی باشد. دو نکته مهم دیگر اینکه: (۱) نه هدف حفظ، در متن تصریح شده و نه درجه حافظان یکسان می باشد و از طرفی نیز برای قرآن بر کسی حرجی متحمل نیست: «ما أنزلنا عليك القرآن لتشقى» (طه/۲)؛ «ما جعل عليكم في الدين من حرج» (الحج/۷۸)، لذا صحت صدور متن ثابت نمی گردد. (۲) نکته دیگر اینکه حدیث از ناحیه سند مخدوش بوده و این علت، یکی از عوامل ضعف آن است که قبولش را مشکل می کند، لذا در صحت صدور آن جای تردید است. بنابراین حدیث ضعیف می باشد.

حدیث هشتم: عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ لَيْبِ بْنِ مُوسَى عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَلْمَانَ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «إِنَّ فِي جَهَنَّمَ لَوَادٍ يَسْتَغِيثُ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ لِشَارِبِ الْخَمْرِ مِنْ حَمَلَةٍ الْقُرْآنِ» (شعیری، جامع الاخبار، بی تا، ص ۱۴۹).^۷ (رسول خدا (ص) فرمود: در جهنم جایگاهی است که اهل جهنم روزی هفتاد هزار مرتبه از آن استغاثه و فریادخواهی می کنند برای حافظ قرآنی که شرابخوار است).
بررسی سند: علی بن عبدلیب بن موسی: این شخص مهمل است و نام وی تنها ۴ بار آن هم در حد ذکر در سلسله سند، بدون هیچ مدح و ذمی، در برخی منابع روایی (شعیری، بی تا، ص ۱۴۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶، ص ۱۴۸؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۴۹؛ ج ۱۷، ص ۴۶) یافت شد. اسماعیل بن سلمان: اسماعیل بن سلمان الأزرق، کنیه او ابو خالد است. از اصحاب امام باقر (ع) می باشد (طوسی، الرجال، ۱۳۷۳ش، ص ۱۲۵؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۶) از انس روایت کرده (تفرشی، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۷). شخصیت حدیثی وی مورد اختلاف است (حسینی میلانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۱۴۷؛ جواهری، ۱۴۲۴ق، ص ۶۶). انس بن مالک: نام کامل او انس بن مالک بن النضر، بن ضمیم بن زید بن حرام بن جندب بن عامر بن غنم بن عدی بن نجار بن ثعلبه بن عمرو بن خزرج بن حارثه انصاری

^۷ مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۴۸؛ نوری، مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۴۶؛ همو، ج ۴، ص ۲۴۹: همین حدیث را بدون هیچ نقص و زیادتی از شعیری ذکر کرده اند. اما دیلمی در ارشاد القلوب، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۷۳ کمی متفاوت تر به ذکر آن پرداخته است.

است. کنیه‌ی او أبو حمزه الخزر جی بوده و او خادم رسول خدا (ص) می‌باشد (خطیب تبریزی، بی‌تا، ص ۲؛ مازندرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۰۹). گفته‌اند مورد نفرین امام علی (ع) قرار گرفت (مفید، الارشاد، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۳۵۱). مجهول است (جواهری، ۱۴۲۴ق، ص ۷۷). به دلیل ضعف رجال سند، نمی‌توان به آن اعتماد کرد.

تحلیل متنی: در اینجا چند نکته مورد توجه است. اول اینکه: فقه اسلامی، نوشیدن انواع مشروبات الکلی، کم یا زیاد را حرام و باعث ثبوت مجازات می‌داند؛ حتی اگر مقدار نوشیدن شراب به حدی نباشد که باعث مستی شود. حد نوشیدن انواع مشروبات الکلی، هرچند به مقدار اندک، هشتاد تازیانه است؛ زمان اجرای حد، پس از رفع حالت مستی شرابخوار است؛ فردی که دو بار شراب نوشیده و هر مرتبه مجازات شده، مرتبه سوم بنابر قول مشهور و مرتبه چهارم بنابر قول برخی، اعدام می‌شود (هاشمی‌شاهرودی، فرهنگ فقه، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۴۹۳). مطمئناً حامل قرآن آگاه به حدود و احکام آن می‌باشد. زیرا قرآن زاجر و آمر است: «إِنَّ الْقُرْآنَ زَاجِرٌ وَ أَمْرٌ، يَا مَعْرُوبَاتِ بِالْجَنَّةِ، وَ يَزْجُرُ عَنِ النَّارِ» (مجلسی، مرآة العقول، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۴۸۱) و در این باره می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۹۰) إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَ يَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ (۹۱)» (المائدة/ ۹۱-۹۰). پس بعید است کسی که حامل قرآن است یعنی با قرآن مانوس است و از محتوای آیات آن آگاهی دارد و پیام‌ها و احکام و معارف نورانی آن را به خوبی دریافته و به اندازه توان و ظرفیت خود به دستورات آن عمل کرده و وجودش ظرف حقایق و معارف قرآنی شده است؛ اقدام به چنین امری کند. اگر هم حافظ قرآن، با اختیار و بطور عمدی، از سر عناد و عصیان به پروردگار و اعراض از قرآن و احکام و دستورات آن، بدین کار مبادرت نموده باشد؛ مستحق چنین عذابی و بلکه سزاوار بدتر از آن است. دوم اینکه: مشخص نیست میزان مصرف و دفعات انجام این کار تا چه اندازه بوده است؟ از آنجایی که یکی از ملاک و معیارهای متنی نقد حدیث، عدم تناسب پاداش یا مجازات با نوع عمل است؛ به طوری که در پاره‌ای از احادیث برای انجام برخی مستحبات یا ترک بعضی مکروهات، مبالغه‌ها و گزافه‌گویی‌هایی در فضائل، پاداش‌ها یا مجازات‌های آن‌ها شده است (بستانی، معیارهای شناخت احادیث ساختگی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۴۶). لذا در حدیث مورد مطالعه، نیز عقل این عدم توازن میان کیفر و عمل را قبول نمی‌کند. دیگر اینکه سند حدیث مخدوش است. پس حدیث ضعیف است.

حدیث نهم: «عاصم بن ضمره، عن علی (ع) قال: قال رسول الله (ص): مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ حَتَّى يَسْتَنْظِرَهُ وَ يَحْفَظَهُ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَ شَفَعَهُ فِي عَشْرَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ كُلُّهُمْ قَدْ وَجِبَتْ لَهُمُ النَّارُ» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۵). کسی که آن قدر قرآن بخواند تا حفظ شود خداوند او را به بهشت داخل خواهد کرد و شفاعت او را در باره ده

نفر از خانواده‌اش که مستحق عذاب و آتش‌اند می‌پذیرد (ستوده، ۱۳۶۰ ش، ج ۱، ص ۳۰). حر عاملی (وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ ق، ج ۶، ص ۱۶۹) همین حدیث را از طبرسی نقل کرده است.^{۱۸}

بررسی سند: عاصم بن ضمره: او همان عاصم بن حمزه السلولی است (حرعاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۱۴ ق، ج ۲۰، ص ۲۶۳) که از اصحاب خاص امام علی (ع) (بروجردی، علی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۹۰) و ممدوح می‌باشد (جواهری، ۱۴۲۴ ق، ص ۲۹۴). خوئی گفته: آنچه را او حدیث کرده، صحیح است (معجم رجال الحدیث، ۱۴۱۳ ق، ج ۱۰، ص ۱۹۶). وی در نزد اهل سنت ثقه بوده و دارای احادیث است (تقی کوفی، بی‌تا، پاورقی ص ۱۱۷). این حدیث غریب است و جز این صورت بیان، سندی برای آن یافت نشد. دیگر اینکه سند آن به صورت معلق آمده؛ بنابراین ضعیف است.

تحلیل متنی: در این که حافظ قرآن دارای مقام بالایی نزد خداست شکی نیست و این را می‌توان از احادیث معتبری همچون این حدیث دریافت: «الْحَافِظُ لِلْقُرْآنِ الْعَامِلُ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبُرَّةِ» (مجلسی، مرآة العقول، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۲، ص ۴۸۵) اما این مقام و جایگاه منوط به عمل بدان و تدبر و تعقل است: «الْعَامِلُ بِهِ»؛ «وَيَلُ لِمَنْ لَآكِهَآ بَيْنَ فَكِيهِ وَ لَمْ يَتَأَمَّلْ مَا فِيهَا» (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲ ش، ج ۲، ص ۹۰۸). از طرفی نیز مقام و درجات حافظان یکسان نیست «رُبَّ تَالِ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ ق، ج ۸۹، ص ۱۸۴). نکته دیگر اینکه: راجع به مسئله شفاعت حافظ برای اهل بیتش که مستوجب عذاب آتش‌اند، آن هم ۱۰ نفر نه یک نفر و دو نفر، جای تأمل هست. چرا که در حدیثی که مجلسی آن را معتبر دانسته و صحیح می‌داند، می‌خوانیم که: «... وَ يُكْسَى أَبَوَاهُ حُلَّتَيْنِ إِنْ كَانَا مُؤْمِنَيْنِ...» (مجلسی، مرآة العقول، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۲، ص ۴۸۶) به پدر و مادر حافظ قرآن لباس بهشتی عطا می‌گردد. که البته آن هم مشروط به مؤمن بودن آن‌هاست! این کجا و اینکه مستوجب آتش باشند و مقام والای شفاعت بدان‌ها ارزانی شود کجا! از همه مهم‌تر اینکه: یکی از ملاک‌های نقد متن حدیث، زیاده‌روی در نقل موضوعات کوچک و کم ارزش برای تشدید و مبالغه در آن‌هاست (مدیر شانه‌چی، علم الحدیث، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۲۴) که در حدیث مورد مطالعه، این زیاده‌روی مشهود است. بنابراین متن حدیث به دلیل عدم توازن با عقل و شرع، قابل قبول نیست. از طرف دیگر سند حدیث نیز ضعیف است. بنابراین حدیث ضعیف است.

حدیث دهم: «وروی عنه (ص) أَنَّهُ قَالَ : ... وَيَأْتِي الْقُرْآنُ إِلَى الْحَامِلِ لَهُ فَيَقُولُ لَهُ ، كَيْتَ وَ كَيْتَ» (و تقدیره : ان القرآن يشهد لحامله بفعله ، ان خيرا فخير ، وان شرا فشر ، (معه) (ابن ابی جمهور، عوالی اللثالی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۶۴). در

^{۱۸} . شعیری در جامع الاخبار، بی‌تا، ص ۴۱؛ نوری در مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸ ق، ج ۴، ص ۲۴۵ و مجلسی در بحار الانوار، ۱۴۰۳ ق، ج ۸۹، ص ۱۹ حدیث را آورده‌اند.

^{۱۹} . این حدیث در منبع دیگری نیامده است.

روز قیامت قرآن نزد حافظش می‌آید و می‌گوید: تو چنین و چنان هستی (یعنی هر فعلی را که حامل قرآن، چه خیر و چه شر، مرتکب شده است، قرآن آن‌ها را شهادت می‌دهد).

بررسی سند: حدیث مرسل است. در حجیت حدیث مرسل اختلاف است. مشهور امامیه نسبت به مراسیل جماعتی از بزرگان که معمولاً جز از ثقات، نقل حدیث نمی‌کرده‌اند؛ قایل به حجیت شده‌اند و شیخ کشی در رجال خود (ص ۲۳۹) از این جماعت با عنوان اصحاب اجماع یاد نموده است (مدیر شانه‌چی، علم الحدیث، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۸۷). **تحلیل متنی:** متن حدیث به ظاهر بی‌اشکال است و در تأیید آن مجلسی نمونه‌ای از این گفتگوی قرآن در روز قیامت را طی حدیثی که آن را صحیح می‌داند، آورده است: «فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَاحِبَهُ فِي صُورَةِ شَابٍّ جَمِيلٍ شَاحِبِ اللَّوْنِ، فَيَقُولُ لَهُ: أَنَا الْقُرْآنُ الَّذِي كُنْتُ أَسْهَرْتُ لَيْلَكَ، وَأَظْمَأْتُ هَوَاجِرَكَ، وَأَجْفَفْتُ رِيْقَكَ، وَأَسَلْتُ دَمْعَتَكَ...» (مجلسی، مرآة العقول، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۴۸۶) (رسول خدا (ص): در روز قیامت قرآن در صورت جوانی زیبا که رنگ صورتش گشته باشد نزد خواننده خود آید و باو گوید: منم که شب تو را به بیداری پایان بردم، روزهای داغ تو را به تشنگی بسر آوردم، و آب دهانت را خشک کردم، و اشکت را روان ساختم...). در حدیث دیگری نیز می‌خوانیم که قرآن در نزد خدا از عده‌ای که در حقش کوتاهی و ظلم کرده‌اند، شکایت می‌کند: «...فَيَقُولُ: يَا رَبِّ، مِنْهُمْ مَنْ صَانِنِي وَحَافِظَ عَلَيَّ وَ لَمْ يُضَيِّعْ شَيْئاً، وَمِنْهُمْ مَنْ ضَيَّعَنِي وَاسْتَحَفَّ بِحَقِّي وَ كَذَّبَ بِي...» (کلینی، کافی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۵۹۱). اما صحت مضمون دلیل بر صحت صدور نخواهد بود. همچنین حدیث متفرد است و جز در این منبع جای دیگری مذکور نیست و از ناحیه سند نیز مخدوش می‌باشد، بنابراین ضعیف خواهد بود.

حدیث یازدهم: «وَقَالَ (ع) لِأَهْلِ الشَّامِ وَاللَّهِ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ ثُمَّ صَبَّتْ عَلَيْهِ الْخَمْرُ يَأْتِي كُلُّ حَرْفٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيخَاصِمُهُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْ كَانَ لَهُ الْقُرْآنُ خَصْماً كَانَ اللَّهُ لَهُ خَصْماً وَمَنْ كَانَ اللَّهُ لَهُ خَصْماً فَهُوَ فِي النَّارِ» (شعیری، جامع الاخبار، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۹). پیامبر (ص) فرمود: سوگند به خدایی که مرا به حق مبعوث کرد کسی که در دلش آیه‌ای از قرآن باشد و آن شخص شراب بنوشد هر حرف از آن آیه در روز قیامت با او، نزد خداوند به مخامصه و دشمنی برمی‌خیزد و کسی که قرآن با او دشمنی کند خدا دشمن اوست و کسی که خدا دشمن او باشد آن شخص در جهنم است.

۲۰. همین حدیث را نوری در مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۴۹ و مجلسی در بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۷۶، ص ۱۴۷ به نقل از شعیری آورده‌اند.

بررسی سند: حدیث مرسل است.

تحلیل متنی: در حدیث هشتم مشابه مضمون این حدیث که راجع به استعمال خمر توسط حامل قرآن است و تحلیل متن آن گذشت و مشخص گردید که اگر متن حدیث با قرائنی از کتاب و سنت مطابق و موافق باشد، دلیلی است برای صحت مضمون و نه دلیل بر صدور حدیث (نوری، خاتمه مستدرک، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۸۸). اما جمله‌ای در متن این حدیث قابل تأمل است «يَأْتِي كُلُّ حَرْفٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُخَاصِمُهُ» که این با شواهد موجود همخوانی ندارد: «يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَاحِبُهُ فِي صُورَةٍ شَابٍّ جَمِيلٍ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۴، ص ۶۰۵)؛ «مَنْ نَسِيَ سُورَةً مِنَ الْقُرْآنِ، مُثِّلَتْ لَهُ فِي صُورَةٍ حَسَنَةٍ» (همان، ص ۶۱۴)؛ «إِنَّ الْآيَةَ مِنَ الْقُرْآنِ وَالسُّورَةَ لَتَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (همان، ص ۶۱۵). همانگونه که مشاهده می‌شود از مجسم شدن قرآن، یا بعضی سوره‌ها و آیاتش، به صورت یک مرد، جوان زیبا و... بحث شده است و به کرات در دیگر منابع ذکر گردیده است. اما جمله مذکور، جز این روایت در هیچ منبع دیگری نیامده که حرف قرآن نیز در هیأت انسان مجسم خواهد شد. نکته دیگر اینکه: سلسله راویان حدیث ذکر نگردیده و حدیث مرسل و معلق است و این موجب ضعف آن می‌گردد (نک: مامقانی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۳۸). بنابراین حدیث ضعیف است.

حدیث دوازدهم: «وَرَوَى عُمَرُ بْنُ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُمَثَّلُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِرَجُلٍ وَ يُؤْتَى بِالرَّجُلِ قَدْ كَانَ يُضَيِّعُ فَرَائِضَهُ وَ يَتَعَدَّى حُدُودَهُ وَ يُخَالِفُ طَاعَتَهُ وَ يَرْكَبُ مَعْصِيَتَهُ قَالَ فَيَسْتَنْبِلُ لَهُ خَصْمًا فَيَقُولُ أَيُّ رَبِّ حَمَلْتَ إِيَّايَ شَرًّا حَامِلٌ تَعَدَّى حُدُودِي وَ ضَيَّعَ فَرَائِضِي وَ يُؤْتَى بِالرَّجُلِ قَدْ كَانَ يَحْفَظُ حُدُودَهُ وَ يَعْمَلُ بِفَرَائِضِهِ وَ يَأْخُذُ بِطَاعَتِهِ وَ يَجْتَنِبُ مَعْاصِيَهُ فَيَسْتَنْبِلُ حِبَالَهُ فَيَقُولُ أَيُّ رَبِّ حَمَلْتَ إِيَّايَ خَيْرًا حَامِلٌ اتَّقَى حُدُودِي» (ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۶۵). پیامبر (ص) فرمود: قرآن در روز قیامت به صورت مردی ظاهر می‌شود و به همراه دو کس خیر و شر در پیشگاه خدا به محاجه می‌پردازد. اما کسی که فرائضش را ضایع و به حدودش تعدی کرده و از اطاعتش مخالفت نموده و مرتکب معصیت نسبت به او شده است، با او حاضر می‌گردد و در حالی که با وی دشمن است در پیشگاه خدا به شکوه و شکایت از او می‌پردازد و عرض می‌نماید که: پروردگارا! به همراه خود حافظ شری را آورده‌ام که اما کسی را که حدودش را حفظ کرده، به فرائضش عمل نموده، طاعت او را گردن نهاده و از معصیتش دوری جسته است نسبت به او اظهار دوستی می‌نماید و می‌فرماید: پروردگارا! حافظ نیکویی را با خود آورده‌ام که حدود مرا... .

۲۱. این حدیث را تنها نوری در مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۵۳، به نقل از ابن ابی جمهور آورده است.

بررسی سند: عمر بن شعیب: بن محمد بن عبد الله بن عمرو بن العاص: مجهول است (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۹۴). ابیه: شعیب بن محمد بن عبد الله بن عمرو بن العاص: در کتب رجالی شیعه مدح و ذمی راجع به وی نشده و مجهول است. اما اهل سنت او را توثیق کرده‌اند (ن.ک: سیوطی، اسعاف المبطل برجال الموطأ، ۱۴۱۰ق، ص ۴۶).
جدّه: عبد الله بن عمرو بن العاص: از أصحاب رسول الله (ص)؛ و مجهول است (جوهری، ۱۴۲۴ق، ص ۳۴۲).
تحلیل متنی: اولاً: اعمال نیک و بد انسانها در جایگاه مشخصی ثبت است و نیازی نیست قرآن دست تک تک افراد خیر و شر را بگیرد و در نزد خداوند با آنها به محاجّه یا مخاصمه پردازد تا بلکه نهایتاً دستور خدا درباره ثواب و عقاب آنها چه خواهد بود: «وَ كُلِّ إِنْسَانٍ أَ لَ زَمْنَا هُ طَائِرُهُ فِي عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا» (الإسراء/۱۳)؛ «فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ» (الحاقه/۱۹)؛ «وَ وُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ...» (الکهف/۴۹)؛ «وَ عِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيفٌ» (ق/۴)؛ «لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (الانعام/۵۹). ثانیاً: عقل عدم توازن و تناسب میان عمل و پاداش را پذیرا نیست (بستانی، معیارهای شناخت احادیث ساختگی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۴۸). سوم اینکه: سند حدیث نیز به دلیل اینکه حال هر ۳ راوی در سلسله سند مجهول بوده و شناخت کافی نسبت به استوارگویی آنان وجود ندارد؛ ضعیف می باشد.

نتیجه گیری

طبق بررسی‌هایی که صورت پذیرفت، نتایج زیر استنباط می گردد:

- طبق بررسی‌هایی که صورت پذیرفت، نتایج زیر استنباط می گردد: براساس آماری که به دست آمد؛ تعداد احادیث فضائل حفظ قرآن در ۸ مورد از مهمترین جوامع روایی شیعه به طور تقریبی ۱۵۳ حدیث با تعداد ۱۰۲ راوی بودند که نام ۶ تن از آن راویان ۱۹ بار تکرار گشته است. غالب ترین معصوم ناقل این احادیث نیز امام جعفر صادق (ع) می باشد.
- عده‌ای همچون: محمد امین استرآبادی در کتاب الفوائد المدنیة و الشواهد المکیة، شیخ حرعاملی در وسائل الشیعه و محدث نوری نیز در مستدرک الوسائل تمام روایات کتاب کافی را صحیح می دانند. و در تأیید گفتار خویش سخنانی از شهید اول، محقق کرکی، شیخ حسین بن عبدالصمد، پدر شیخ بهایی، شیخ حسن دمستانی و... را در مدح کتاب کافی نقل می کنند. (۲) عده‌ای نیز همچون: شیخ صدوق، شیخ مفید و شیخ طوسی مخالف صحت تمام احادیث کافی بوده و روایات کافی را نقد کرده‌اند.

- هر چند کتاب کافی در تألیفات حدیثی شیعه و سنی از مقام بالایی برخوردار است، اما یک یک روایات آن در مقام استناد و استدلال باید مورد بررسی سندی و محتوایی قرار گیرد. زیرا در نزد شیعه هیچ کتابی وجود ندارد که روایات آن کاملاً صحیح شمرده شود.
- از ۱۲ حدیث مورد مطالعه، ۱۰ مورد ضعیف و ۲ مورد صحیح بود. که البته اکثر احادیث ضعیف از لحاظ متن و صحت مضمون، قابل قبول بوده و مخدوش بودن آن‌ها از ناحیه سند می‌باشد.
- محتوای بیشتر احادیث تشویق به حفظ قرآن جهت دریافت پاداش دنیوی و اخروی و همچنین بخش اندکی نیز عقاب حافظ قرآن که عامل بدان نبوده و حدود و فرائضش را ضایع نموده است، می‌باشد.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. ابن ابی جمهور الأحسائی، محمد بن علی بن ابراهیم، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، تحقیق: مجتبی عراقی، تقدیم: سید شهاب الدین نجفی، چاپ اول، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۵ق.
۲. ابن اثیر، مجدالدین، *النهائیة فی غریب الحدیث و الأثر*، تحقیق: طاهر احمد الزاوی؛ محمود محمد الطناحی، چاپ چهارم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ش.
۳. ابن ادريس حلی، محمد بن احمد، *مستطرفات السرائر*، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسين قم، ۱۴۱۱ق.
۴. ابن اشعث، محمد بن محمد، *الجعفریات (الأشعثیات)*، چاپ اول، تهران، مکتبه النینوی الحدیثه، بی تا.
۵. ابن الغضائری، احمد بن حسین بن عبیدالله، *رجال ابن الغضائری*، تحقیق: محمدرضا جلالی، چاپ اول، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰ش.
۶. _____، *شرح تکملة رسالة أبي غالب الزراري في آل أعين*، تحقیق: محمد علی موسوی موحد ابطحی اصفهانی، بی جا، بی نا، ۱۳۹۹ق.
۷. ابن داود، تقی الدین حسن بن علی بن داود، *الرجال*، تحقیق: سید محمدصادق آل بحر العلوم، نجف اشرف، منشورات مطبعة الحیدریه، ۱۳۹۲ق.
۸. اردبیلی، محمدعلی، *جامع الرواة*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.
۹. استرآبادی، محمد امین نورالدین العاملی، *الفوائد المدنیة و الشواهد المکیة*، تحقیق: رحمت الله رحمتی اراکی، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۴ق.

۱۰. بحرانی، سیدهاشم، *حلیة الأبرار*، تحقیق: غلامرضا مولانا بروجردی، چاپ اول، قم، مؤسسه‌ی معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۱۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، چاپ دوم، قم، انتشارات دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ق.
۱۲. بروجردی، علی، *طرائف المقال*، محقق: مهدی رجائی، چاپ اول، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ق.
۱۳. بروجردی، حسین، *جامع الأحادیث الشیعة*، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶ش.
۱۴. بستانی، قاسم، *تقدم تجویزی نقد سند یا متن*، مطالعات فهم حدیث، سال دوم، شماره دوم، ۱۳۹۵ش.
۱۵. _____، *معیارهای شناخت احادیث ساختگی*، اهواز، نشر رسش، ۱۳۸۶ش.
۱۶. پورجوادی، کاظم، *ترجمه قرآن*، تحقیق: ویراستار بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ اول، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۱۷. پیشه‌گر، امید؛ مسجدی، حیدر، «*معنا شناسی حفظ قرآن در روایات*»، مجله علوم حدیث، دوره ۱۸، شماره ۶۷، بهار ۱۳۹۲ش.
۱۸. تفرشی، مصطفی بن حسین، *نقد الرجال*، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث، بی‌تا.
۱۹. ثقفی کوفی، ابی اسحاق ابراهیم بن محمد، *الغارات*، تحقیق: سید جلال‌الدین حسینی الأرموی المحدث، چاپ دوم، بی‌جا، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی ۱۱۵، بی‌تا.
۲۰. جواهری، سید محمدحسن، *پرسمان علوم قرآنی*، چاپ سوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۵ش.
۲۱. جواهری، محمد، *المفید من معجم رجال الحدیث*، چاپ دوم، قم، کتابخانه محلاتی، ۱۴۲۴ق.
۲۲. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، محقق: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.
۲۳. _____، *هدایة الأئمة الی أحكام الأئمة (ع)*، محقق: قسم الحدیث فی مجمع البحوث الإسلامیة، چاپ اول، مشهد، انتشارات آستانه‌الرضویة المقدسة، ۱۴۱۲ق.
۲۴. حسین‌زاده‌طاهر، حسن، «*جایگاه حفظ قرآن از نگاه معصومین و بزرگان دین*»، ماهنامه پیوند، شماره ۳۸۸، بهمن ۱۳۹۰ش.
۲۵. حسینی میلانی، سیدعلی، *نفحات الأزهار*، چاپ اول، بی‌جا، المؤلف، ۱۴۱۴ق.
۲۶. حکیمی، اخوان، *الحیة/ترجمه: احمد آرام*، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ش.

۲۷. خراسانی کرباسی، محمدجعفر بن محمدطاهر، *إکلیل المنهج فی تحقیق المطلب*، تحقیق: جعفر حسینی اشکوری، چاپ اول، قم، دارالحديث، ۱۳۸۳ش.
۲۸. خرماهی، بهاءالدین و همکاران، *دایرة المعارف تشیع*، تهران، بنیاد اسلامی طاهر، ۱۳۹۲ش.
۲۹. خطیب تبریزی، ولی الدین ابی عبدالله محمد بن عبدالله، *الإکمال فی أسماء الرجال*، تحقیق: ابی أسدالله بن الحافظ محمدعبدالله انصاری، بی جا، مؤسسه اهل البيت (ع)، بی تا.
۳۰. خوئی، ابوالقاسم، *البيان فی تفسیر القرآن*، چاپ چهارم، بیروت، دار الزهراء، ۱۳۹۵ق.
۳۱. _____، *شرح العروة الوثقى-التقلید (موسوعة الإمام الخوئی)*، محقق: غروی، علی، چاپ دوم، قم، مؤسسه احیاء آثار امام خویی قدس سره، ۱۴۲۶ ق.
۳۲. _____، *معجم رجال الحديث*، چاپ پنجم، بی جا، بی نا، ۱۴۱۳ق.
۳۳. دیلمی، حسن بن محمد، *إرشادالقلوب إلى الصواب*، چاپ اول، قم، انتشارات الشریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۳۴. _____، *أعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
۳۵. رامیار، محمود، *تاریخ قرآن*، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ش.
۳۶. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، بی جا، دار احیاء الكتب العربية، ۱۳۷۶ق.
۳۷. زنجانی، ابوعبدالله، *تاریخ قرآن*، چاپ اول، تهران، منظمة الإعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۳۸. سبجانی، جعفر، *کلیات فی علم الرجال*، چاپ سوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۳۹. ستوده، رضا، *ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ش.
۴۰. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، *إسعاف المبطل برجال الموطأ*، تحقیق: موفق فوزی جبر، چاپ اول، بیروت، دارالهجرة للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۰ق.
۴۱. _____، *الاتقان فی علوم القرآن*، مترجم: سید مهدی حائری قزوینی، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ هشتم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱ش.
۴۲. شبستری، عبد الحسین، *الفائق فی رواة و اصحاب الامام الصادق (ع)*، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۸ق.
۴۳. شعیری، محمدبن محمد، *جامع الأخبار*، چاپ اول، نجف، انتشارات مطبعة حیدریة، بی تا.
۴۴. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، چاپ دوم، قم، انتشارات دارالشریف رضی، ۱۴۰۶ ق.

۴۵. _____ ، *الخصال* ، چاپ اول، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۴۶. _____ ، *معانی الاخبار*، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۴۷. شیخ طوسی، محمد بن حسن ، *الخلاف*، تحقیق: جماعتی از محققین، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۴۸. _____، *الرجال*، چاپ سوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۴۹. _____، *الفهرست الطوسی*، نجف، مکتبه المرتضویه، بی تا.
۵۰. شیخ مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی، *الارشاد*، تحقیق: مؤسسه آل البيت(ع)، چاپ دوم، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۵۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد، *الرعايه فی علم الدرایه*، تحقیق: بقال، عبدالحسین محمدعلی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی العامه، ۱۳۶۷ش.
۵۲. _____ ، *مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام*، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۵۳. _____ ، *منیه المرید*، محقق: مختاری، رضا، چاپ اول، قم، انتشارات مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ق.
۵۴. طبرسی، حسن بن فضل ، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق و تعلیق: لجنة من العلماء و المحققین الأخصائیین، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
۵۵. _____ ، *مکارم الأخلاق*، چاپ چهارم، قم، انتشارات الشریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۵۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، چاپ سوم، تهران، نشر مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۵۷. علامه حلی، ابی منصور حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *خلاصه الأقوال فی معرفه الرجال*، محقق: بحر العلوم، محمدصادق، چاپ دوم، نجف اشرف، انتشارات دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
۵۸. علوی مهر، حسین، *آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴ش.
۵۹. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، *الوافی*، چاپ اول، اصفهان، انتشارات کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ق.

۶۰. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، چاپ اول، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۶۱. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، *تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق: حسین درگاهی، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۶۲. کشی، محمد بن عمر، *اختیار معرفة الرجال*، تحقیق: محمد بن حسن طوسی، تصحیح: حسن مصطفوی، چاپ اول، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
۶۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، چاپ اول، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
۶۴. مازندرانی، محمد بن اسماعیل، *منتهی المقال فی احوال الرجال*، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البیته (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۶ق.
۶۵. مازندرانی، محمد صالح، *شرح اصول کافی*، تحقیق: میرزا ابوالحسن شعرانی، تصحیح: سید علی عاشور، چاپ اول، بیروت، دارإحياء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۶۶. مامقانی، عبدالله، *مقباس الهدایه فی علم الدرایه*، تحقیق: محمدرضا مامقانی، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البیته (ع)، ۱۴۱۱ق.
۶۷. متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام‌الدین، *کنز العمال*، تحقیق: شیخ بکری حیانی / شیخ صفوه السقا، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
۶۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار (ط-بیروت)*، چاپ دوم، بیروت، انتشارات دارإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۶۹. _____، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، چاپ دوم، تهران، انتشارات دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۷۰. _____، *ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار*، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه آیة‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.
۷۱. محقق اردبیلی، احمد، *مجمع الفائدة*، محقق: عراقی، مجتبی؛ اشتهازدی، علی‌پناه، یزدی اصفهانی، حسین، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی‌تا.
۷۲. مدیرشانه‌چی، کاظم، *درایة الحدیث*، چاپ دهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰ش.
۷۳. _____، *علم الحدیث*، چاپ بیست و دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸ش.
۷۴. مسعودی، عبدالهادی، *تلاش‌های مجلسی اول در فهم متن*، مجله علوم حدیث، شماره ۳۴، ۱۳۸۳ش.
۷۵. مصطفوی، سید جواد، *ترجمه اصول کافی*، چاپ اول، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹ش.

۷۶. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن العباس، *فهرست اسماء مصنفی الشیعه (رجال نجاشی)*، چاپ پنجم، قم، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۶ق.
۷۷. نمازی شاهرودی، علی، *مستدرکات علم رجال الحدیث*، چاپ اول، تهران، انتشارات ابن‌المؤلف، ۱۴۱۵ق.
۷۸. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه آل‌البتی علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ق.
۷۹. _____، *خاتمة المستدرک*، تحقیق: مؤسسه آل‌البتی (ع) لإحياء التراث، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البتی (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۵ق.
۸۰. نووی، ابی زکریا محی‌الدین بن شرف، *المجموع شرح المهدب*، بیروت دارالفکر، بی‌تا.
۸۱. هاشمی شاهرودی، محمود، *فرهنگ فقه*، چاپ اول، قم، مؤسسه دایره‌المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، مرکز پژوهش‌های فارسی‌الغدیر، ۱۴۲۶ق.

Validation of the hadiths of the virtues of preserving the Quran in Shia sources

<i>Zahra Chenani</i> ² *	2
<i>Mina shamkhi</i> ²	3
<i>Qasem Bostani</i> ²	4

Abstract

Numerous hadiths about the preservation of the Qur'an, the value and status of the protectors, which have encouraging themes and motivate the believers to memorize and recite the Qur'anic verses and act on it, are in the Shi'a narrative sources of the infallible. But the authenticity of these narrations and therefore the validity of their texts are not the same and no general verdict can be made. Because although some

² student of Quran and Hadith Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran
Zahra.chenany@yahoo.com

² Associate Professor Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran m.shamkhi@scu.ac.ir

² Associate Professor Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran gbostanee@yahoo.com

virtues are content inaccurate or inaccurate in the authenticity of the document, this is not a reason for their authenticity, and the mere reliance on the document or text in correcting a story does not imply proof of its authenticity. Whether or not the correct document has been incorporated into the correct text may either be unacceptable or contradictory with texts that have stronger truth implications. There were such problems in the hadiths studied that made them inaccurate and difficult to accept. Although most of the hadiths were weak in maintaining the Qur'an, the Shiite hadiths are legally bound to do so.

Keywords: Hadiths, Criticisms, Documents, Texts, Virtues of Preservation

References

The Holy Quran.

1. Ibn Abi Al-Hassa'i, Muhammad ibn Ali ibn Ibrahim, *Awala al-Azali al-Azizi fi al-hadith al-diniyyah*, Inquiry: Mojtaba Iraqi, presented by: Sayyid Shahabuddin Najafi, first edition, Qom, Sayyid al-Shohada, 1405 AH.
2. Ibn Athir, Majd al-Din, *Al-Nahayi al-Gharib al-Hadith and Al-Athar*, Research: Taher Ahmad al-Zawawi; Mahmoud Mohammad al-Tanahi, Fourth Edition, Qom, Ismailian Institute, 1985.
3. Ibn Idris Hali, Mohammad Ibn Ahmad, *The Crossings of Al-Sarayr*, Second Edition, Qom, Al-Nusra al-Islami Institute of Qom, 1411 AH.
4. Ibn Ash'ath, Muhammad ibn Muhammad, *al-Ja'fariat (al-Sha'yat)*, first edition, Tehran, Al-Nawawi al-Hadithi school, Beta.
5. Ibn al-Ghazayeri, Ahmad ibn Hussein ibn Abdullah, *Rajal Ibn al-Ghazayeri*, Research: Mohammad Reza Jalali, First Edition, Qom, Dar al-Hadith, 2001.

6. _____, Explanation of the Supplement to the Dominant Al-Zari al-Fayy n al-Aين ، Research by: Mohammad Ali Mousavi Movahed Abtahi Esfahani, Beyja, Bina, 1399 AH.
7. Ibn Dawood, Taghieddin Hassan ibn Ali ibn Dawood, Al-Rijal, Research: Seyyed Mohammad Sadegh Al-Bahr al-Alum, Najaf Ashraf, Al-Haidari Charter, 2013.
8. Ardebili, Mohammad Ali, Jama'at al-Rawa, Qom, Ayatollah Marashi Najafi Library, 1403 AH.
9. Asterabadi, Mohammad Amin Nour al-Din al-Ameli, Al-Fuaid al-Madani and al-Shawed al-Maki'i, Research: Rahmatullah Rahmati Araki, First Edition, Qom, Institute of Islamic Publishing, 1424 AH.
10. Bahrani, Sidesham, Heli Albarar, Research: Gholamreza Molana Boroujerdi, First Edition, Qom, Institute of Islamic Studies, 1411 AH.
11. Barghi, Ahmad ibn Muhammad ibn Khalid, al-Muhassen, Second Edition, Qom, Dar al-Qatab al-Islami Publications, 1992.
12. Boroujerdi, Ali, Taraif al-Maqal, Scholar: Mehdi Rajaei, First Edition, Qom, Ayatollah Marashi Najafi Library, 1410 AH.
13. Boroujerdi, Hossein, Jami-e-ahadith al-Shi'i, First Edition, Tehran, Sabz-e Farhang Publications, 2007.
14. Bastani, Qasim, Prescriptive Criticism of Document or Text, Studies in Understanding Hadith, Second Year, No. 2, 2016.
15. _____, Criteria for Recognition of Fabricated Traditions, Ahvaz, Rasheh Publishing, 2007.
16. Pourjavadi, Kazem, Quran Translation, Research: Edited by Baha'uddin Khorramshahi, First Edition, Tehran, Islamic Encyclopedia Foundation, 1414 AH.
17. Pishgar, Omid; Masjid, Heydar, "The Semantics of Preserving the Qur'an in Traditions", Journal of Hadith Sciences, Volume 18, Number 67, Spring 2013.
18. Tafreshi, Mustafa bin Hussein, Naqd al-Rijal, First Edition, Qom, Al-Balit Institute (AS) Lahia al-Thrash, Beta.
19. Thagafi Kufi, Abi Ishaq Ibrahim bin Mohammed, Al-Gharat, Research: Sayyed Jalaluddin Hosseini al-Ramawi al-Muhaddess, Second Edition, Idle, Publication Series 115, Beta.
20. Javaheri, Seyyed Mohammad Hassan, The Question of Quranic Science, Third Edition, Qom, Islamic Publication Office, 2006.
21. Javaheri, Muhammad, Al-Mufid Man Mo'jam Rajal al-Hadith, Second Edition, Qom, Local Library, 1424 AH.
22. Har Aghani, Mohammed bin Hassan, Al-Shi'a Al-Shi'a Al-Shari'a Issues, Researcher: Al-Baleem Institute, First Edition, Qom, Al-Baleem Institute. 1409 AH
23. _____, Hedayat al-Allam Hekam al-'Ali (AS), Scholar:

- Qeslem al-Hadith in the Islamic Prophetic Assembly, First Edition, Mashhad, Astan-ol-Razwi Al-Maqdisi Publications, 1412 AH.
24. Hosseinzadeh Taher, Hassan, "The Position of Preserving the Qur'an from the Point of view of the Infallible and the Elders of Religion", Payavand Monthly, No. 388, February 2011.
 25. Hosseini Milani, Seyed Ali, The Works of Al-Zahar, First Edition, Idle, Al-Mulaf, 1414 AH.
 26. Hakimi, Akhavan, Al-Haya / Translated by: Ahmad Aram, First Edition, Tehran, Islamic Culture Publication Office, 2001
 27. Khorasani Karbassi, Mohammad Jafar bin Mohammad Tahir, Akalil al-Manhaj fi rah al-Motlab, Research: Jafar Hosseini Eshkevari, First Edition, Qom, Dar al-Hadith, 2004
 28. Khorramshahi, Bahaeddin et al., Shia Encyclopedia, Taher Islamic Foundation, 2013.
 29. Khatib Tabrizi, Waliuddin Abi Abdullah Muhammad ibn Abdullah, Al-Kamal fī Isma al-Rajjal, Research: Abi ḥasadullah ibn Hafiz Muhammad Abdullah Ansari, Bijay, Ahl al-Bayt Institute, Bita.
 30. Khuey, Abulqasim, Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Fourth Edition, Beirut, Dar al-Zahra, 1395 AH.
 31. _____, Description of al-'Urwaliqi-al-taqlid (Musa'a al-amam al-khui), Scholar: Gharavi, Ali, Second Edition, Qom, Institute for the Restoration of Imam Khoi's Works, 1426 AH.
 32. _____, The Reign of رَجُلُ الْإِسْلَامِ al-Hadith, Fifth Edition, Idle, Bena, 1413 AH.
 33. Dilmi, Hassan Ibn Mohammad, Rashad al-Qaloub al-Saswab, First Edition, Qom, Al-Sharif al-Razi Publications, 1412 AH.
 34. _____, Alamuddin Fayyat al-Mu'minin, Qom, The Institute of Al-Albit al-Islam, 1408 AH.
 35. Ramyar, Mahmoud, History of the Quran, First Edition, Tehran, Amir Kabir Publishing Institute, 1362 sh.
 36. Zaraqashi, Badr al-Din Muhammad ibn Abdullah, Al-Burhan fi al-Qur'an, Research: Muhammad Abolfazl Ibrahim, First Edition, Idle, Dar al-Hayaat al-Arabi, 1997.
 37. Zanjani, Abu Abdullah, The History of the Qur'an, First Edition, Tehran, System of Al-A'lam al-Islami, 1404 AH.
 38. Sobhani, Ja'far, Kaliyat fi Alam al-Rajal, Third Edition, Qom, Institute of Islamic Publishing, 1414 AH.
 39. Sotoudeh, Reza, Translated by Al-Bayyan fi Tafsir al-Quran, First Edition, Tehran, Farahani Publications, 1360 sh.

40. Suwiati, Jalaluddin Abdul Rahman, † Asaf al-Mutaba Barjal al-Mutta, Inquiry: Successful Fuzzy Algebra, First Edition, Beirut, Dar al-Hijra, al-Nusra and al-Tawzi, 1410 AH.
41. _____, Al-Atiqan fi al-Qur'an Science, Translated by: Seyed Mehdi Haeri Qazvini, Corrected by: Mohammad Abolfazl Ibrahim, Eighth Edition, Tehran, Amir Kabir Publishing Institute, 2012.
42. Shabestari, Abdul Hussein, Al-Fayq Fayyah and Companions of Alam Al-Sadiq (AS), First Edition, Qom, Islamic Publishing Institute, 1418 AH.
43. Shaeiri, Mohammad bin Mohammad, Jama'at al-Akhbar, first edition, Najaf, Moqtaba Haidari Publications, Beta.
44. Sheikh Sadogh, Mohammad ibn Ali ibn Babuyyah, Thawab al-'Amal and Eagle-Al-Amal, Second Edition, Qom, Daralsharif Razi Publications, 1406 AH.
45. _____, Excerpt, First Edition, Qom, Modaresin Publications, 1362 sh.
46. _____, Maani al-Akhbar, Research: Ali Akbar Ghaffari, First Edition, Qom, Islamic Publications Office, 1403 AH.
47. Sheikh Tusi, Mohammad bin Hassan, Al-Khalaf, Research: A Meeting of Scholars, Qom, Islamic Publishing Institute, 1407 AH.
48. _____, Al-Rأس زال, Third Edition, Qom, Islamic Institute of Islam, 1994.
49. _____, al-Thawris al-Tawisi, Najaf, al-Murtazwa school, Beta.
50. Sheikh Mufid, Abi Abdullah Muhammad ibn Muhammad ibn Naman al-Akbari al-Baghdadi, al-Arshad, Research: The Institute of Al-Albit (AS), Second Edition, Beirut, Dar al-Mafid, 1414 AH.
51. Martyr Sani, Zayn al-Din bin al-Ahmad, al-Raiei fi alam al-Daraya, Research: Baqal, Abdul Hussein Mohammad Ali, Qom, Ayatollah al-Marashi al-Amee school, 1367 sh.
52. _____, Maskalat al-'Allafam-e-Aniqih Shariah al-Islam, First Edition, Qom, Institute of Islamic Publishing, 1413 AH.
53. _____, Mani al-Marid, Scholar: Mokhtari, Reza, First Edition, Qom, School of Publications, 1409 AH.
54. Tabrassi, Hassan Ibn Fazl, Al-Bayyan Assembly of the Interpretation of the Qur'an, Investigation and Suspension: Sludge Man al-Alma and Al-Muqiqin al-Qa'ayee, First Edition, Beirut, The Institute of Linguistics, 1415 AH.
55. _____, Makarem al-Maqlaq, Fourth Edition, Qom, Al-Sharif Publications, 1412 AH.
56. Tarihi, Fakhr al-Din bin Mohammad, Assembly of Al-Bahrain, Research by Ahmad Hosseini Eshkevari, Third Edition, Tehran, Mortazavi Publishing, 1996.
57. Allameh Haley, Abi Mansur Hassan Ibn Yusuf Bintmahr Asadi, Summary of

- Al-Qawwal Fi Introducing Al-Rjal, Scholar: Bahr al-Alum, Mohammad Sadegh, Second Edition, Najaf Ashraf, Dar al-Zakhaar Publications, 1411 AH.
58. Alavi Mehr, Hossein, Introduction to the History of Interpretation and Commentators, Qom, World Center for Islamic Sciences, 2005.
59. Feiz Kashani, Mohammad Hassan bin Shah Mortazee, Al-Wafi, First Edition, Isfahan, Imam Amir Al-Muslimin Ali Publications Library Publications, 1406 AH.
60. Qartabi, Mohammad bin Ahmad, Al-Jama'ah Lahkam al-Quran, First Edition, Tehran, Nasser Khosrow Publications, 1985.
61. Qomi Mashhadi, Mohammad bin Mohammad Reza, Commentary on Kenzaldaghaiq and Bahr al-Gharab, Research by Hossein Dargahi, First Edition, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance, 1989.
62. Kashi, Mohammad bin Omar, Authorization to Introduce Al-Rjal, Inquiry: Mohammad bin Hassan Tusi, Corrected by: Hasan Mostafavi, First Edition, Mashhad, University of Mashhad Publishing Institute, 1409 AH.
63. Klein, Mohammad bin Ya'qub, Al-Kafi Principles, First Edition, Qom, Dar al-Hadith Publications, 1429 AH.
64. Mazandarani, Mohammad bin Ismail, Muntala Al-Miqali fi Ahwal al-Rajal, First Edition, Qom, The Foundation of the Al-Bayt (AS) Lahia al-Tharath, 1416 AH.
65. Mazandarani, Mohammad Saleh, Description of Sufficient Principles, Research by: Mirza Abolhassan Sha'rani, Corrected by: Sayyid Ali Ashour, First Edition, Beirut, Dar al-Tharath al-Arabi, 1421 AH.
66. Mamghani, Abdullah, Maqbas al-Hadayyah in Al-Daraieh, Research: Mohammad Reza Mamghani, First Edition, Qom, Al-Albit Institute (AS), 1411 AH.
67. Mottaki Hindi, Aladdin Ali bin Hussam al-Din, Cairo al-Amal, Inquiry: Sheikh Bakri Hayani / Sheikh Safavi Al-Saqa, Beirut, Institute of Al-Rasali, 1409 AH.
68. Majlesi, Mohammad Baqir bin Mohammad Taqi, Bahar al-Anwar al-Jammu Lederer News of Al-Aimah al-Tahar (T-Beirut), Second Edition, Beirut, Dar al-Hayaat al-Arabi Publications, 1403 AH.
69. _____, Marya Aqul Fifi Description of the News by Al-Rasoul, Second Edition, Tehran, Dar al-Qalib Publishing, 1404 AH.
70. _____, Mulat al-Akhyar Fei Fahm al-Khobar, First Edition, Qom, Ayatollah al-Marashi Library Publications, 1406 AH.
71. Mohaghegh Ardebili, Ahmad, Assembly of Al-Feda, Scholar: Iraqi, Mojtaba-Eshtehardi, Ali Panah, Yazdi Esfahani, Hossein, Qom, Islamic Publishing Institute, Beta.
72. Mardashanehchi, Kazem, Darayi al-Hadith, Tenth Edition, Qom, Islamic Publications Office, 2011.

73. _____, Alam Hadith, Twenty-Second Edition, Qom, Islamic Publications Office, 2009.
74. Masoudi, Abdolhadi, The First Majlis Efforts to Understand the Text, Journal of Hadith Sciences, No. 34, 2004 Sh.
75. Mostafavi, Sayyed Javad, Translation of Sufficient Principles, First Edition, Tehran, Islamia Bookstore, 1989.
76. Najashi, Abu'l-Abbas Ahmad ibn Ali ibn Ahmad ibn al-'Abbas, List of Asmaa Masnafi al-Shi'a (Rajal Najashi), Fifth Edition, Qom, Qom Teachers' Association of Islamic Publishing, 1416 AH.
77. Namazi Shahroodi, Ali, Edited by the Science of Rajaal Hadith, First Edition, Tehran, Ibn al-Mulaf Publications, 1415 AH.
78. Nouri Tabari, Hossein ibn Mohammad Taqi, Mastarad al-Wassal and Mastanab al-Masa'il, First Edition, Qom, Al-Bayat Institute of Publications, 1408 AH.
79. _____, Khatami al-Mustadrak, Research: The Al-Albit Institute of the Liturgy of Etrath, First Edition, Qom, The Al-Albit Institute of the Althit of the Legacy, 1415 AH.
80. Nawawi, Abi Zakaria Mohiuddin bin Sharaf, Al-Maqamat al-Mahzab, Beirut Dar al-Fakir, Beta.
81. Hashemi Shahroudi, Mahmood, Fiqh Culture, First Edition, Qom, Islamic Jurisprudence Encyclopedia of Ahlul-Bayt (AS), Al-Ghadir Persian Research Center, 1426 AH.